

وزارت علوم تحقیقات و فناوری



دانشگاه شیخ بهائی  
نیرودی - نیرآنتسای

# جامع شیخ بهائی



مجله داخلی دانشگاه شیخ بهائی

فرهنگی دانشجویی

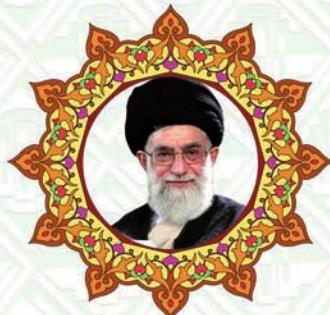
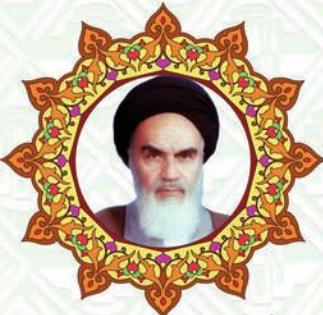
سال دوم - شماره ششم

تابستان ۹۳





شماره ششم



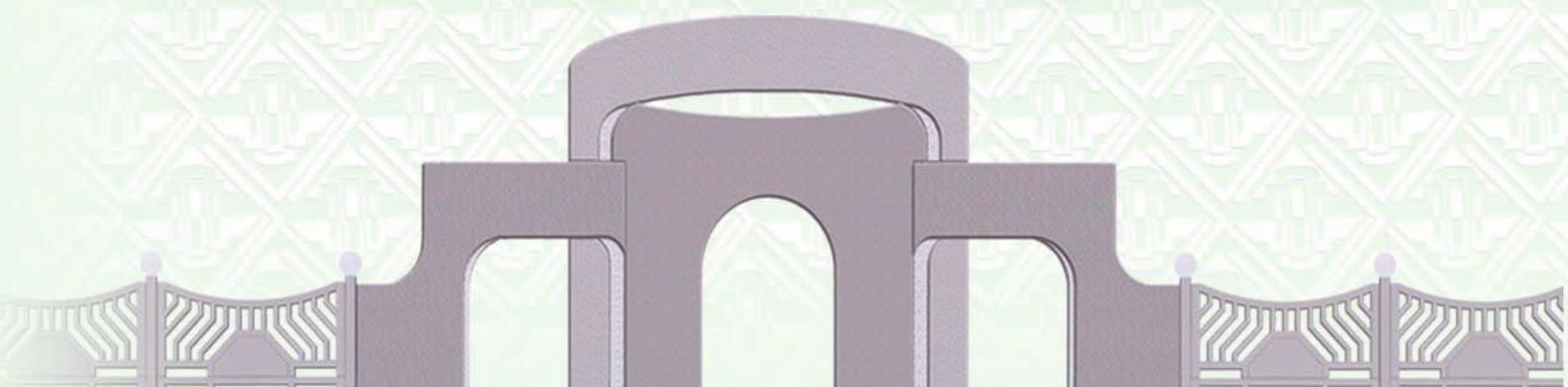
## اقتصاد و فرهنگ

## با عزم ملی و مدیریت جهادی

**امام خمینی:**  
 دانشگاه مرکز سعادت و در مقابل، شقاوت یک ملت است. از  
 دانشگاه باید سرفوژت یک ملت تعیین بشود. دانشگاه خوب یک  
 ملت را سعادتمند می کند و دانشگاه غیراسلامی، دانشگاه بد،  
 یک ملت را به عقب می زند.»

**مقام معظم رهبری:**

دانشگاه، ضریبان سنج حیات ملی جامعه است. در این نوار فعال  
 یا راکد، می توان آئینه‌ی تمام نمای زندگی ملت را در فرادید  
 نهاد و به تماشای آینده‌ی پر بار و یار قت آور آن پرداخت.





# بسم اللہ الرحمن الرحيم

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	پیام وحي
۴	کلام معصوم
۶	نگرشی تازه به روابط زن و مرد
۱۵	این چنین آورده اند
۱۶	پیلاتس یا پیلاتز یا پیلاتیس (به انگلیسی: <i>Pilates</i> )
۲۰	فیٹاغورث: عدد بر جهان حکومت می کند
۲۵	آشنایی با مهدی آذر یزدی پدر ادبیات کودک ایران
۳۰	اهمیت مدیریت در هتل
۳۲	مناسبتها در فصل تابستان
۳۹	خبر دانشگاه

عنوان مجله:

## جامع شیخ بهائی

(محله داخلى دانشگاه شیخ بهائی)

تابستان ۱۳۹۳

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر سید محمود خاتون‌آبادی؛ معاونت دانشجویی و فرهنگی  
 طراحی جلد و صفحه آرایی؛ فهیمه موسوی  
 نگارش، بررسی و نظارت؛ شواری سردبیری

رایانامه مجله:

Jshbu1392@gmail.com

jshbu@shbu.ac.ir

مسئولیت مطالب هر بخش به عهده نگارنده آن می باشد



## پیام وحی\*

وما أَبْرُءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَا مَارِهَ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحْمَ رَبِّيْ إِنْ رَبِّيْ غَفُورٌ رَحِيمٌ<sup>۱</sup>

درادامه بهره مندی از پیام ماورائی که از جانب حق تعالی به وسیله نبی گرامی(ص) نزول یافته و به ساکنان عالم ناسوت که جهان محدودیت وجهان فیزیک است می رسد به مورد دیگری - که در آن ویژگی نفس آمر با صیغه مبالغه و اضافه کردن تای مبالغه و نیز افزودن لام ابتدا که از نظر ادبی برای تاکید و مبالغه است ، به کار برده شده است - می رسیم .

به باور بیشتر مفسران، این بیان نیز از یوسف است، اما یکی از مفسرین این آیه را ادامه گفتار بانوی کاخ می داند و می گوید: منظور او این است که: من خود را از گناه و خیانت نسبت به یوسف تبرئه نمی کنم؛ چرا که نفس انسان، او را به گناه و بیداد وامی دارد و گاه او را به گناه می کشاند.

یادآوری می گردد که «الف و لام» در واژه «النفس» ممکن است برای جنس باشد، که همه نفسهای آدمیزادگان این گونه‌اند، و یا ممکن است برای عهد باشد بدین معنا که: نفس من اینگونه است.<sup>۲</sup>

درگذشته اشاره کردیم که هوای نفس مجموعه تمایلات و تنفرات درونی است که پشتونه عقلی و دینی ندارد، دراینجا اضافه می - کنیم که بعضی از صاحب نظران فاصله بین «نیاز» و «خواسته» را هوای نفس نامیده اند، نیاز امکانات منطقی است که خدا برای «من» در نظر گرفته است ولی خواسته «من» سرچشمه در هوای نفس دارد.

مثال نیاز من ۷ ساعت خواب در شبانه روز است است ولی خواسته من این است که تا ظهر بخوابیم نیاز جنسی حد و اندازه خاصی دارد ولی خواسته «من» این است که متنوع و هر روز رابطه انجام دهم.

میل به دستورات نفس، ما را در یک پیله نامرئی گرفتار میکند! وقتی ما به غرایض طبیعی خود بیش از حد اهمیت بدهیم و برای سر پوش گذاشتن بر روی مشکلات دیگرمان، از آنها سوء استفاده کنیم، به اصطلاح می گویند که بنده هوای نفس مان هستیم!<sup>۳</sup>

همان گونه که می دانیم نفس در یک اصطلاح فلسفی نیز به معنای روح به کار رفته است و بنابراین کاربردهای گوناگون قرآنی و فلسفی دارد که منشاً اشتباه می شود.

واما این نفس که منشاً فسادها و شرور است و نباید به خواسته‌هایش گوش فراداد چیست و چه فرقی دارد با نفس مطمئنه که خطاب «إِنِّي إِلَيْ رَبِّكَ راضِيَةٌ مَرْضِيَةٌ» متوجه او می شود؟

از موارد کاربرد این کلمه در قرآن می توان دریافت که از کلمه نفس در قرآن، مفهومی جز مفهوم لغوی آن منظور نشده و نفس در لغت به استثنای مواردی که به صورت تأکید به کار رفته باشد، مانند «جاء الرجل نفسه، مرد خودش آمد»، عموماً معنای شخص یا من از آن منظور شده است؛ با این تفاوت که به تناسب موارد مختلف، ویژگی‌هایی به آن اضافه می شود که کلمه نفس به لحاظ آن ویژگی، بار ارزشی مثبت یا منفی پیدا می کند به هر حال، نفس برحسب ویژگی‌های موردنی و کاربردی، گاه بد است و گاهی خوب؛ ولی از نظر لغوی بیش از یک معنا ندارد و با توجه به این که مفهوم کاربردی نفس چیزی جز معنای لغوی آن نیست، باید گفت که علت خوب و بد معنی شدن نفس در موارد مختلف این است که خداوند دو نوع گرایش در آن قرار داده است: گرایش به خیر و نیکی، و گرایش به شر و بدی.

نفس با گرایش‌های مختلفی که دارد چنان که گفتیم موضوع اخلاق و مورد خطاب دستورات اخلاقی است. وجود این گرایش‌های مختلف در نفس ضروری است؛ چرا که اصولاً کمال انسانی، فقط با وجود آن‌ها امکان‌پذیر است. ملاک هوای نفس این است که غریزه کور و مرزنشناس ارضاء شود و نقطه مقابلش این است که هنگام ارضای غریزه، عقل به کار گرفته شود.

\* - تهییه کننده: امور فرهنگی

<sup>۱</sup> - من خویشن را بی گناه نمی دانم ، زیرا نفس ، آدمی را به بدی فرمان می دهد مگر پروردگار من بیخشاید ، زیرا پروردگار من آمرزنده و مهربان است ، یوسف ، ۵۳

<sup>۲</sup> - نک : سایت تبیان ، فصل عبادت .

<sup>۳</sup> - نک : بهبودی ، و بلاک راه جدید برای زندگی .



کسی که زمام او به دست نفس اماره است، غرایز، او را راهبری می‌کنند و وی چشم و گوش بسته و بی‌توجه به ماورای خواسته‌های غریزی خود از آن‌ها پیروی می‌کند، چنین کسی در مقام نفس اماره تا ابد باقی می‌ماند و چنان‌که خداوند فرموده است: «أَخْلُدْ إِلَى الْأَرْضِ وَأَتَبْعَثْ هَوَاءً؛ بِهِ زَنْدَگَى مَادِيٍّ مَىْ چَسْبَدْ وَإِزْ خَوَاسْتَهَهَا يِشْ پَيْرُوِي مَىْ كَنْدَ». <sup>۱</sup>

پس می‌توان در یک عبارت کلی چنین گفت که اگر از میل‌های غریزی و کشش‌های کور که فقط ارضای خود را می‌خواهد و بس پیروی کردیم، بدون آن که فکر کنیم نتیجه بعدی آن، چه می‌شود و غرض ما صرفاً لذات آنی باشد، این هوای نفس است؛ اما اگر تأثیر آن را در روح و سرنوشت خویش مورد توجه و دقت قرار دادیم و سپس تصمیم گرفته تصمیم نهایی ما در نهایت همان باشد که خواسته غریزه نیز هست، عمل به چنین تصمیمی دیگر پیروی از نفس و هوای نفس نخواهد بود؛ چون در این صورت، انگیزه ما فقط غریزه نیست؛ چراکه محاسبه کرده‌ایم و با دقت در نتیجه و آینده کار، راه خویش برگزیده‌ایم و چنانچه نتایج سوئی بر آن بار می‌شد، به آن کار دست نمی‌زدیم.

و در عبارتی کوتاه‌تر، ملاک هوای نفس این است که غریزه کور و مرزناشناس ارضا شود، و نقطه مقابلش این است که هنگام ارضای غریزه، عقل به کار گرفته شود.

بنابراین برای آن که ما به آنچه می‌دانیم ایمان بیاوریم، باید خویشتن را از قید هوای نفس رها سازیم؛ یعنی بر اساس بینش صحیح و آینده‌نگری و مقایسه و سنجش و گزینش راه بهتر، تصمیم بگیریم.<sup>۲</sup>

### کلام معصوم(ع)\*

قال رسول الله (ص) : ..... وَ مَا يُصْمِرُ النَّبِيَّ فِي نَفْسِهِ أَفْضَلُ مِنْ اجْتِهَادِ الْمُجْتَهِدِينَ <sup>۳</sup>

رسول گرامی اسلام(ص) درادامه می‌فرماید: آنچه نبی در نهان خویش دارد از تلاش همه تلاشگران برتراست، این فراز گرچه بظاهر درستای عنوان اصلی حدیث که بیان اهمیت عقل است قرارنداشته و گویا حالت معتبره دارد ولی اهتمامی که در این بخش مطرح می‌گردد به بزرگی و بزرگواری خرد رسولان الهی مربوط می‌گردد.

به نظر می‌رسد که رسولان الهی برحسب درجات خود مأموریت‌هایی در خور زمان و مردم آن دارند که آنچه را در دستور کار خویش دارند علیرغم مشکلات به اطاعت الهی تن داده و ابلاغ می‌کنند، و مأموریتی به غیر از ابلاغ - بجز درموارדי که خود باید اقدامات عملی درپیاده کردن آن در جامعه انجام دهند- ندارند و ماعلی الرسول الا البلاغ المبين<sup>۴</sup>

ولی مهم این است که رسولان به عنوان انسان‌های کامل بسیار بیش از آنچه که مامور بدان هستند شیفته رساندن خلق خدا به کمال را در نهان خویش دارند شاید بتوان موارد متعددی را در قرآن که اشاره به این موضوع دارد برشمود:

- وما اکثر الناس ولو حرصنت بمومنین<sup>۵</sup>؛ از جمله مطالب مستفاد از این شریفه شدت خواست درونی و تلاش پیگیر بروني نبی

اکرم(ص) درمورد رهایی مردم از غله‌ای شخصی و اجتماعی است که جهل درونی و یا شرایط نامساعد اجتماعی به پای آنان نهاده است، ولذا جناب حق تعالیٰ هشدار می‌دهد که بسیاری از آنان به آنچه تو رسول گرامی برایشان می‌خواهی نمی‌رسند.

- طه، ماتزلنا علیک القرآن لتشقی<sup>۶</sup>؛ در این آیه نیز چنانچه گفته شده به نوعی منع نبی اکرم(ص) از شدت اهتمام به

عبادت و قیام است که در این رابطه آثار تورم در پاهای آن جناب ظاهر گشته بود و نیز تعریض خداوند به حسرت و تاسف او درمورد کم توجهی مردم به آیات الهی است.

- لوشاء الله لهداهم اجمعین.

<sup>۱</sup>- اعراف، ۱۷۶.

<sup>۲</sup>- نک: اجلال، زهراء، سایت تبیان.

<sup>۳</sup>- تهیه کننده: امور فرهنگی

<sup>۴</sup>- کلینی، کافی، اصول، ج ۱، ص ۱۴.

<sup>۵</sup>- رسول وظیفه ای جز رساندن آشکار ندارد، نور، آیه ۵۴.

<sup>۶</sup>- بیشتر مردم هرچند اصرار داشته باشی ایمان نمی‌آورند، یوسف، آیه ۱۰۳.

<sup>۶</sup>- طه، آیه ۲-۱.



همان گونه که اشاره گردید از ویژگی‌های انسان کامل تلاش اوست برای اینکه همه بشریت به بلوغ عقلی رسیده و از این طریق به این کمال دست یابد، او تلاش خویش را در این زمینه تابای جان انجام می‌دهد مگر موردی که به هر دلیل منع الهی مانعش گردد، در اینجا نیز خداوند خاطر جناب نبی (ص) را آسوده می‌فرماید که خداوند مقلب القلوب است و اگر اراده فرماید همه دلها تسخیر او گردد ولی پذیرش مسیر هدایت و فهم مردم و انتخاب آنان به اراده واختیار خود آنان است.

- انما انت منذر ولکل قوم هاد<sup>۱</sup>

هان ای پیامبر، تو تنها هشداردهنده‌ای و برای هر جامعه‌ای هدایت‌کننده و ارشادگری است، باید توجه داشت که این ترجمه‌هه تنها بنابر یک نوع ترکیب ادبی است که در فرضهای دیگر ترجمه تغییر می‌کند.

در توضیح مطلب فوق به پاره‌ای از مطالب تفسیری و ادبی که در مورد این آیه مطرح است اشاره می‌کنیم؛ در تفسیر این فراز دیدگاه‌ها متفاوت است:

۱- به باور گروهی منظور این است که تو تنها هشدار دهنده و ارشادگر هر قومی هستی، و فرود آوردن آیات بر عهده تو نیست. با این بیان از نظر ادبی واژه «انت»، مبتدا و «منذر» خبر آن و «هادِ» عطف بر آن است.

۲- اما به باور گروهی دیگر از مفسرین منظور این است که: هان ای محمد (صلی الله علیه و آله) تو هشداردهنده‌ای و خدا راهنمای انسان‌هاست.

۳ - و از دیدگاه پاره‌ای دیگر منظور از واژه «هادی» هر کسی است که مردم را به سوی حق فرامی‌خواند. این نوع ترکیب ادبی با ترجمه‌ای که در ابتدای بیان شد مناسب و سازش دارد، در این فرض، واژه «هادِ» مبتدا و «لکل قوم» خبر آن است.<sup>۲</sup>



<sup>۱</sup> - رعد، آیه ۷۶.

<sup>۲</sup> - نک: سایت تبیان.



## نگرشی تازه به روابط زن و مرد

برگرفته از کتاب: قصه عشق

نویسنده: رابرت جی، استرن برگ - مترجم: علی اصغر بهرامی

\* سیدشهاب الدین ادبی و آزاده آرمان پناه

### پیش گفتار:

من نیز مانند دیگران زمان درازی بر آن بوده ام تا به پاسخ این پرسش دست یابم که چرا برخی از روابط صمیمانه من به موفقیت انجامیده اند و برخی با شکست مواجه شده اند. من نیز همچون دیگران پیرامون روابط آدمی خوانده ام، گزارش رسانه های گوناگون را دیده ام، و نزد مشاورانی رفته ام که همه قول داده اند مرا در شناخت چگونگی این روابط یاری دهنده، حتی بخشی از دوران حرفة ای خود را در مقام روانشناس بر سر این کار گذاشته ام و در راه این شناخت به جایی نرسیده ام. من از آغاز دهه ۸۰ (۱۹۸۰) دست به کار بررسی عشق شده ام. من همراه یکی از دانشجویان دوره دکترا به نام (سوزان گراجک) (*Susan Grajek*) نوعی نظریه درباره عشق ارائه دادیم که مبنای آن روان سنجی است. هدف این بود که ببینیم آیا میتوان عشق را بر اساس اجزای تشکیل دهنده آن شناخت؟ به اواخر دهه ۸۰ که رسیدم نظریه تازه ای برای عشق ارائه کردم که مبنای آن مثلث بود. «نظریه سه وجهی عشق»

### صمیمیت، شور و شهوت، و تعهد

میانه دهه ۹۰ با نگاه تازه ای به همه چیز می نگریستم، فهمیدم که لازم است بنشینم و با داستان های بسیاری که پیرامون عشق شنیده بودم کلنجار بروم و آنها را طبقه بندی و ساماندهی کنم. این داستانها تفاوت های بسیار زیادی باهم داشتند این تفاوتها نه تنها میان روابط مختلف وجود داشت، بلکه گاهی در درون خود رابطه هم به چشم می خورد، گاهی دو همسر، دو قصه کاملاً متفاوت را پیرامون روابط شان نقل می کردند و به نظر می رسید که هر گاه این دو قصه تفاوت زیادی باهم داشته باشند، جفت ها نیز رضایت کمتری از رابطه خود دارند، از این رو دست به کار صورت بندی دیدگاه عشق به مشابه قصه شدم و این همان نظر گاهی است که در کتاب عرضه میکنم، این دیدگاه بر این فرض مبتنی است که ما آدمیان گرایش داریم بر کسانی عاشق شویم که قصه هایشان با قصه ما یکی است یا مشابه آن است، اما نقش این کسان در قصه ها مکمل نقش خود ما است. و بدین ترتیب این کسان از جنبه هایی مثل خود ما هستند، اما از جنبه های دیگری بالقوه از ما متفاوتند. اگر از سر اتفاق بر کسی عاشق شویم که قصه ای کاملاً متفاوت داشته باشد، آن وقت است که هم رابطه ما و هم عشقی که زیر ساخت این رابطه است، وضعیتی متزلزلی پیدا می کند.

مؤلف- اوت ۱۹۹۷

\* - کارشناسان مرکز مشاوره دانشگاه شیخ بهائی



### عشق به مثابه قصه:

زاك و تامي بيسست و هشت سال است باهم ازدواج کرده‌اند، در همه اين ۲۸ سال دوستانشان پيش‌بیني می‌کرده‌اند که آنها دير يا زود از هم جدا می‌شوند، و اين پيش‌بیني‌ها نيز منطقی می‌نمودند. تامي(زن) هر آن زاك(مرد) را تهدید می‌کند که او را می‌گذارد و می‌رود و زاك نيز به نوبه خود می‌گويد که اين خوش‌ترین خبری است که می‌شوند.

زاك و تامي مدام باهم دعوا می‌کنند و مایه ناراحتی دوستان و آشنايان هستند، زيرا دعواهای آن دو نه خلوت می‌شناشد نه جلوت و نه فرياد می‌شناشد و نه غير فرياد، به نظر اين دوستان نامناسب‌تر و ناهمخوان‌تر از تامي و زاك متصرور نیست.

از سوي ديجر والري (زن) و لوتارد (مرد) را دارييم که از هم جدا شده‌اند، هيچکدام از دوستان و آشنايان آنها دليل اين جدائی را درک نمی‌کنند. ازدواج و زندگی زناشوبي آنان به ظاهر بي نقص می‌آمد. البته ازدواج بسياري از مردم به ظاهر چنین می‌نماید و اينان کسانی هستند که صرفاً بر مشكلات و دردهای موجود در روابط زناشوبي‌شان پرده می‌کشند. اما در مورد لوتارد و والري پديده عجيب آن است که خودشان هم تصور می‌کنند ازدواج‌شان بي نقص و كامل بوده است. فرزندان آن دو نيز گفته‌اند پدر و مادرشان عملاً هرگز دعوا نمي‌کرده اند و اگر هم بوده بر سر عدم توافق‌ها و اختلاف‌نظرهای جزئی بوده است. اما در نهايت والري و لوتارد از هم جدا می‌شوند و آن هم پس از آنکه لوتارد در محيط کار با زن ديجري آشنا می‌شود و به خاطر همین زن والري را وا می‌نهد. لوتارد تا حدودی معذب بود و از رفتار خويش شرمنده و در توجيه رفتار خود می‌گفت سرانجام عشق راستين خود را يافته است. اما لوتارد در عين حال تصور می‌کرده است والري عشق راستين‌اش بوده است. در زمان روایت اين ماجرا لوتارد در پي درمان بود تا بلکه دريابد بر او چه می‌گذرد.

### قصه‌های عشق:

برای شناخت رفتار اين دو زوج يك راه وجود دارد و آن اينکه با دقت نگاه کنیم و ببینیم روایت هر کدام از همسرها از عشق چیست؟ و از آن چگونه برداشتی دارند. آن هم قصه‌هایي که آن دو از عشق در روابط جاري خود و از عشق بصورت آرمانی آن می‌بردازند. برای مثال فرض کنیم کسی دلسته زندگی رومانتیک و رویایی است، اما در عمل می‌بیند که درگیر يك داستان رزمی شده است. به احتمال زياد اين شخص از اين پيشامد ناراحت می‌شود. کسان ديجري دلسته داستان رزمی‌اند و اگر درگیر قصه‌های رومانتیک و افسانه پريان شوند تا سرحد جنون خسته و دلزده می‌شوند.

جالب اينکه هم به روایت زاك و هم به روایت تامي، قصه عشق قصه جنگ بود و هرچند به چشم ديجران عجيب و غريب و حتی مسخره می‌آمد، اما اين رابطه برای خود آن نتيجه‌بخش بود و با خواستهای هرکدام از آن دو همخوان بود. برخلاف اين دو رابطه لوتارد و والري به چشم ديجران خوب و شايسته می‌آمد، اما در نهايیت اين رابطه با خواست لوتارد و روایت او از عشق ناهمخوان بود و در نهايیت خواست او با خواست والري به کلي متفاوت بود. آن دو با دو روایت عشق متفاوت بزرگ شده بودند و هنوز هم اين روایت‌های عاشقانه سخت با هم متفاوتند.

ما همگي با قصه عشق بزرگ می‌شويم، اغلب به ما می‌گويند باید واقع بين باشيم، يعني آنکه داستان‌هایي را که برای خودمان نقل می‌کنیم از رویدادهای واقعی تفکیک کنیم، میان واقعیت و افسانه تفاوت قائل شويم. همیشه گفته می‌شود برای شناخت هرچه بیشتر آدمی نکته اصلی اين است که باید تلاش کرد و پي برد که اين شخص خاص «در عالم واقع چگونه آدمی» است، اما تفکیک دقیق واقعیت از افسانه آن هم در پس زمینه روابط شخصی صرفاً غيرممکن است. همانگونه که امانوئل کانت در سنجش خرد ناب اشاره می‌کند، اگر واقعیت عینی‌ای در کار باشد، این واقعیت قابل شناخت نیست. ما تنها يك چيز را می‌توانيم بشناسيم و آن هم واقعیت است که خودمان ساخته‌ایم و این تواني، شکل داستان بخود می‌گيرد. پس در واقع عشق داستان است و تنها خود ما نويسنده‌گان اين داستان هستيم. آدميان همیشه درگیر ماجراي عاشقانه‌اند، از اين رو پيوسته کسانی هستند که در پي درک و بهبود و تحول روابط صميمانه خويش‌اند. برای انجام اين مهم دست به جست و جوهای بسياري می‌زنند، با هم حرف می‌زنند، با دوستانی که در بیرون از دaire رابطه ايشان هستند با اعضای خانواده حرف می‌زنند و با درمانگران، كتاب



می‌خرند، دوره‌های خاصی را می‌گذرانند و به تماسای نوارهای ویدئویی خاص می‌نشینند. ولذا ما شاهد روابطی هستیم که احتمالاً گسیخته نمی‌شوند، اما ناخوش‌اند و از سوی دیگر بیشتر ما می‌توانیم روابطی را بر شماریم که به راستی خوش‌اند.

نخستین بار که کسی را می‌بینیم، طبعاً می‌خواهیم آن شخص را بهتر بشناسیم و ببینیم آیا او هم مثل ما فکر می‌کند یا نه؟ می‌خواهیم برداشت‌هایمان را با واقعیت‌ها هماهنگ کنیم. ما با نظرهای از پیش پنداشته شده بسوی روابط می‌رویم. این نظرها یا قصه‌ها به خودی خود نه درست‌اند و نه نادرست. برای مثال ممکن است فرهنگ خاصی عشق را به چشم بخش تفکیک‌ناپذیری از ازدواج نگاه کند، اما فرهنگ دیگری عشق را در امر ازدواج بی‌ربط بشمارد. آنچه به نظر «واقعیات» می‌آیند بیشتر تصورات ما از واقعیات است. گاهی در یک رابطه، هر همسری در عمل‌ها و رویدادهای واحد مفهومی را می‌بیند که با مفهوم و برداشت آن دیگری متفاوت است. علت این است که هر همسری عمل‌ها و رویدادها را در چهارچوب داستان خاصی تفسیر می‌کند که با داستان آن دیگری متفاوت است.

اگر در این مورد تردیدی دارید، کافی است بروید و با دو تن که در آستانه طلاق هستند گفت و گو کنید، اغلب چنین می‌نماید که هر کدام از این دو تن از دو ازدواج متفاوت می‌گوید. به احتمال زیاد تصویری که یک همسر از رابطه زناشویی‌شان می‌پردازد شباهتی اندک یا حتی هیچ گوهه شباهتی با تصویری که همسر دیگر از همان رابطه می‌پردازد ندارد. دلیل اصلی طلاق آنها نیز همین است. قصه عشق قصه‌ای فراگیر است اما ممکن است محتوای قصه‌های هر فرد با فرد دیگر تفاوت کلی داشته باشد، در عین حال هر دو انسانی که در گیر رابطه‌ای مشترک هستند، لازم است گذشته از قصه‌های فردی خویش به نحوی دست به آفرینش قصه‌ای مشترک بزنند.

این قصه مشترک گاهی با روایت هر دو زوج همخوان است و گاهی همخوان نیست، و البته ممکن است هر یک از دو جفت برداشت خاص خود را از این قصه مشترک داشته باشند.

این نظر که هرگز نمی‌توانیم اشیاء را فی نفسه بشناسیم چه انسان باشد و چه غیر انسان ممکن است مأیوس کننده به نظر بیاید اما این نظر مبهمی است.

برای مثال رنگ‌ها را در نظر بگیرید. به لباسی نگاه کنید که هم اکنون به تن دارید چه رنگ‌هایی می‌بینید؟ این رنگ‌ها کجا وجود دارند؟

البته به ظاهر رنگ‌ها در خود اشیاء هستند اما واقعیت چنین نیست، تنها کاری که منسوجات می‌کنند اینست که امواج خاصی از تشعشعات الکترو مغناطیسی را جذب و امواج دیگری را منعکس می‌کنند.

کشش متقابل میان امواج منعکس شده و چشم انسان همان چیزی را پدید می‌آورند که آن را رنگ نامیده ایم.

ایا رنگ آبی که تو می‌بینی همان رنگ آبی است که من می‌بینم؟ پس تردید نیست که مردمان رنگ‌های عشق را به یک صورت نمی‌بینند. در مورد عشق رویدادهای به گونه‌های مختلف تفسیر می‌شوند.

چیزی را که فردی به چشم نقد سازنده نگاه می‌کند، دیگری همان را به چشم حمله نگاه می‌کند.

گاهی جفت‌ها حتی در مورد رویدادهای واقعی (فیزیکی) هم با یکدیگر به توافق نمی‌رسند، چه برسد به تفسیر و تعبیر آنها از این رویدادها.

در کتاب حاضر سیاهه بیست و پنج داستان آمده است که باز نمود طیف وسیعی از استنباط‌های آدمی از عشق است، داستان‌هایی که مردمان پیرامون عشق در سر داشته‌اند، از این رو، این سیاهه را باید چشم یک سیاهه غیر قطعی نگاه کرد، که نشان می‌دهد چه نوع قصه‌هایی در دست داریم.

موفقیت بالقوه هر داستانی بستگی به این دارد که موفقیت را چگونه تعریف کنیم. زاک و تامی که پیش از این قصه آنها را عرضه کرده‌ایم، درست در همان نقطه‌ای موفق می‌شوند که دیگران منتظر شکست آنها هستند زیرا آن دو، قصه عاشقانه مشترک خود را به چشم نوعی جنگ نگاه می‌کنند. واقعیت آنست که آنها فراسوی تهدیدها و انفجارها، از آنچه دارند راضی و خوشحالند و احتمالاً بدون آن نمی‌دانند چه کنند، هر دوی آنها پروردۀ خانواده‌ایی هستند سرایا درگیر تعارض که بی شbahet به خانواده‌ای نیست که خودشان پدید آورده‌اند، تعریف‌های متفاوتی که از موفقیت می‌شود، ممکن است خود برآمده از قصه‌های متفاوت باشد.



## قصه‌های عشق

قصه معلم – شاگرد:

قصه معلم – شاگرد قصه‌ای است که عدم تقارن جزء لاینفک آن است. در این داستان یکی از جفت‌ها نقش آموزگار را خوش دارد و جفت دیگر از نقش آموزند لذت می‌برد. به طور معمول سن یکی از این دو تن بیش از سن دیگری است. یا اینکه از نظر حرفه‌ای از دیگری پخته‌تر است یا تفاوت قدرت و تفاوت تجربه وجود دارد و اغلب نتیجه آن می‌شود که فرد مسن‌تر یا ارشدتر نقش معلم را بعهده می‌گیرد.

### نقاط قوت و نقاط ضعف:

بزرگترین مزیت بالقوه رابطه معلم – شاگرد در این است که سبب تحقق یافتن اهداف زوج می‌شود. یکی از معلم بودن خود لذت می‌برد و دیگری می‌بیند فراغیری کار لذت بخشی است. اما اینگونه روابط نقاط ضعفی نیز در خود نهفته دارند، کسی که در این رابطه شگرد است ممکن است که در نهایت حس کند که دیگر توانایی ادامه نقش شاگرد را ندارد، و همین جاست که ممکن است قصه معلم – شاگرد دست کم برای این جفتی که شاگرد است، از نفس بیفتد، هر چند امکان دارد از نظر جفت دیگر چنین نباشد.

### قصه ایثار (فداکاری):

همه روابط صمیمانه گهگاه توأم با فداکاری هستند، اما در قصه ایثار چنین نیست، این جا فردی (مرد یا زن) به کرات و پیوسته برای دیگری دست به فداکاری می‌زند، یا خود تصور می‌کند برای دیگری ایثار می‌کند. واندا (زن) زیردست پدری بسیار سلطه جو و مادری بسیار مطیع بزرگ شد. در این باب که رئیس خانه کیست، تردیدی در کار نبود. اکنون که واندا به گذشته نگاه می‌کند از ته دل نسبت به فرمابنبرداری همیشگی مادر در مقابل پدر احساس انزعاج می‌کند. واندا مصمم است به گونه دیگری زندگی کند. او در کار خود (مدیریت) آینده خوبی در پیش دارد مصمم است هر طور شده خود را از نرdban ترقی شرکت بالا بکشد. او نام دیرک دارد که سخت از نقشه‌های وی حمایت می‌کند.

### نقاط قوت و نقاط ضعف:

قصه ایثار زمانی به رابطه خوش می‌انجامد که هر دو جفت از نقشی که ایفا می‌کنند راضی باشند. در قصه ایثار احتمالاً بزرگترین عامل خطر آفرین آن است که توازن «دادن - و - گرفتن» آن چنان در رابطه زوج به هم بریزد که هر دو جفت احساس ناراحتی کنند.

### قصه حکومت:

قصه‌های حکومت ممکن است قالب‌های متفاوتی به خود گیرد. اما همه این قالبهای دارای یک مضمون مشترک هستند، دل مشغولی نسبت به توزیع قدرت.

در رابطه استبدادی: یکی از دو جفت همه قدرت را عملاً در دست می‌گیرد، او (مرد یا زن) تصمیم می‌گیرد، و بعد نیز تصمیم می‌گیرد چگونه باید تصمیم‌ها را محقق کند. روابط ممکن است به هر دلیلی شکل استبدادی به خود بگیرند، یک دلیل دینی است. برخی از ادیان تقریباً همه قدرت موجود در یک رابطه را به مرد تفویض می‌کنند.

دومین دلیلی که به رابطه‌ای شکل استبداد می‌دهد، نیاز بسیار شدید یکی از دو جفت به قدرت است چنانچه کسی میل شدید به قدرت دارد و در محیط کار نیازهایش سرکوب شود، در خانه مستبدانه رفتار می‌کند.



سومین طریقی که به استبداد متهی می‌شود، رضایت متقابل است. در این‌گونه روابط معمولاً یک نفر بسیار سلطه پذیر است و ترجیح می‌دهد تا حد ممکن در تصمیم‌گیری‌ها مسئولیت کمتری داشته باشد.

چهارمین نظام اشتراک قدرت نظام آنارشیستی است. در این وضعیت هیچ‌کس مسئولیت حل مشکلات یا تصمیم‌گیری‌ها را به عهده نمی‌گیرد. معمولاً هر یک از دو جفت امیدوار است که آن دیگری فرد مسئول باشد. این گونه روابط رو بسوی آشفتگی دارند، و نتیجه آن یک سبک زندگی آشفتموار است.

روابط حکومتی ممکن است دمکراتیک و مساوات خواهانه نیز باشد که در این صورت هر دو زوج کم و بیش از قدرت سهیمند.

### **نقاط قوت و نقاط ضعف:**

همیشه در همه روابط مقوله‌ای بنام سهمیه قدرت وجود دارد. در روابطی که مبنای آن حکومت است، مسئله قدرت آشکار می‌شود. واضح‌ترین عیب روابط حکومت‌آبانه در این است که ممکن است مقوله قدرت به تدریج کل رابطه را فرآگیرد و راه را برای سوء استفاده از قدرت باز کند، و سوء استفاده‌کننده معتقد است کاملاً حق دارد دست به هر کاری که بخواهد بزند و این کارها را در چارچوب حقوق خود می‌داند.

### **قصه پلیسی:**

لازم نیست انسان افسر پلیس باشد تا تفکر پلیسی داشته باشد. کسانی که درگیر قصه پلیسی هستند مثل مأموران پلیس فکر می‌کنند. در قصه پلیسی یکنفر دیگری را زیرنظر دارد و اغلب او را در چهارچوبی که خود می‌خواهد قرار می‌دهد. مثل ژاور پلیس مشهور رمان بینوایان ویکتور هوگو. ژاور همه چیز را یا سیاه می‌بیند یا سفید. از دید او درست وجود دارد و نادرست، و معتقد است که خود او نماینده همه چیزهایی است که درست‌اند، و خود را مسئول اعمال قوانین این رابطه می‌بینند.

### **نقاط قوت و نقاط ضعف:**

قصه‌های پلیسی دارای چشم‌انداز چندان مطلوبی نیستند، علت آن نیز این است که پیوسته مستعد و درعرض تشدید و دورشدن مداوم از هر نوع واقعیت انطباقی هستند.

ممکن است قصه پلیسی برای عده‌ای نوعی جنبه مثبت داشته باشد، کسانی که احساس نایمنی شدید می‌کنند ممکن است توجهی را عزیز بدارند که به هیچ طریق دیگری امکان دستیابی بدان را نداشته باشند، اما ممکن است برای این توجه بهای گرانی پیرازنده، این داستان اگرچه جذاب است اما ممکن است سرانجام خطرناکی داشته باشد.

بزرگترین عیب قصه پلیسی این است که با پیچیده‌تر شدن داستان، شخص مظنون نخست آزادی خود را می‌بازد، بعد شأن و حرمت. سرانجام هر نوع عزت نفس را از دست می‌دهد.

### **قصه علمی - تخیلی:**

کسانی که دارای قصه علمی-تخیلی‌اند در یکی از این دو مقوله می‌گنجند: یا به نظر می‌رسد انگار مدام به دنبال زوج‌هایی هستند که عجیب‌ترین زوج‌های ممکن هستند، یا آنکه حس می‌کنند بی‌اندازه عجیب و متفاوت از دیگران هستند و خوش دارند کسی باشند که برای این حالت بی‌نهایت عجیب ارزش قایل می‌شوند.

### **تشخیص قصه علمی-تخیلی:**

۱- اغلب مجنوب کسانی می‌شوم که ویژگی‌های عجیب و غیرعادی دارند، ویژگی‌هایی که انتظار دارید کسی که از سیاره دیگری آمده است داشته باشد.

۲- در حیرتم از کسانی که ادعا می‌کنند زوج خود را مثل کف دست می‌شناسند، من که گاهی به نظرم می‌رسد زوجم یک بیگانه (موجود فضائی) است.



۳- همسر من چنان غیرقابل پیش‌بینی و عجیب است که به هیچ طریقی نمی‌توانم حدث بزنم یک لحظه دیگر ممکن است دست به چه کاری بزند؟

۴- گاهی دلیل اعمال و کارهای زوجم فراتر از قوه ادراک من است، انگار از شخصیت‌های قصه‌های تخیلی است.

۵- زوج من برای من یک بیگانه است، غیرقابل درک و عجیب کسانی که درگیر قصه علمی-تخیلی هستند به سوی جفت‌هایی کشیده می‌شوند که به نظر آنها عجیب و درکناشدنی بیايند.

#### رابطه به مثابه شیئی:

در قصه‌هایی که رابطه شیئی است، رابطه بصورت وسیله‌ای درمی‌آید. برای نیل به هدفی که اغلب مستقیماً هیچ ربطی به رابطه ندارد، و اگر دارد بسیار اندک است. در قصه خانه و خانواده، رابطه به صورت وسیله‌ای درمی‌آید برای رسیدن و برپا کردن یک محیط زندگی راحت و جذاب- در قصه بهبودی، از رابطه در جهت کمک به بهبودی مشخصی بهره‌برداری می‌شود که گرفتار آسیب (روانی) یا هر تجربه سخت دیگر است. در قصه دینی، از رابطه به عنوان وسیله‌ای برای تزدیک شدن به خدا استفاده می‌شود، یا آنکه رابطه خود به مظاهر و تجسم احساسات دینی فرد تبدیل می‌گردد.

#### قصه خانه و خانواده:

در قصه خانه و خانواده، خانه کانون رابطه است. مردم توجه زیادی به خانه و خانواده خود می‌کنند. آدمی نوعاً به خانه و خانواده خود افتخار می‌کند و آن را به چشم نقطه کانونی زندگی خویش می‌نگرد. گاهی خانه و خانواده که در ابتدا نماد رابطه بوده است تبدیل به چیزی مهم‌تر از خود رابطه می‌شود.

#### قصه‌های مشارکت:

در قصه‌های مشارکت به عشق از این زاویه نگریسته می‌شود که همپای همکاری جفت‌ها برای آفریدن یا حفظ چیزی، عشق نیز تکامل می‌یابد.

مانند قصه سفر، در قصه سفر زوج‌ها رابطه خود را به چشم مسافرت نگاه می‌کنند. در این قصه تنها مقصد مورد توجه نیست، بلکه علاوه بر مقصد مشترک، آن که چگونه به مقصد برسیم، در راه کجا توقف کنیم، با چه سرعتی سفر کنیم که از مسافت کردن با هم لذت ببریم، نیز مهم است. قصه سفر یکی از کهن‌ترین و معمول‌ترین قصه‌های است. رابطه سفر اساساً رو به پویایی است و ممکن است دارای برنامه‌ریزی هم باشد.

بزرگترین خطری که قصه سفر را تهدید می‌کند این است که با گذشت زمان یکی از دو زوج یا هر دو، مقصد یا مسیر خویش را تعییر دهد که ممکن است حس کنند راه آنها دارد از هم جدا می‌شود، که رابطه یا گسیخته می‌شود یا روزبروز ناشادر می‌شود.

#### قصه باع (باغچه):

در قصه باع، رابطه را به چشم باعچه‌ای نگاه می‌کنند که لازم است مدام آن را پرورد و به هر شکلی به آن رسید. در قصه‌های باعچه یکی از دو زوج یا هر دوی آنها قاطعه معتقدند که رابطه تنها زمانی باقی می‌ماند و به ثمر می‌نشینند که به دقت آن را آب بدھیم، نور کافی به آن برسانیم و هرگز اجازه ندهیم علفهای هرز آن را خفه کنند، یا آنکه مورد حمله آفات قرار گیرد.

قصه باعچه می‌تواند بسیار سازش‌پذیر باشد، به شرط آنکه به آن برسیم و از آن مراقبت کنیم. هر رابطه‌ای که به حال خود رها شود، برقرار نمی‌ماند. برای آن که رابطه‌ای از پست و بلند زندگی جان به در برد لازم است مدام به آن برسیم.

#### قصه جیم و الین:

جييم (مرد) هم اکنون از سر کار که تا اواخر شب طول کشیده به خانه برگشته و از شدت خستگی از پا درآمده است. وقتی وارد اتاق می‌شود زنش الين به او سلام می‌کند و از حالش جویا می‌شود. قبل از اینکه جیم فرصت جواب دادن پیدا کند، کسی در



می‌زند. منشی تازه جیم، باریارا است. جیم چند پرونده در دفتر کار جا گذاشته بود و با آنکه باریارا به دنبال او دویده بود، اما قبل از اینکه بتواند به او برسد، جیم وارد پارکینگ شده بود. باریارا فکر کرده بود ممکن است این پروندها مهم باشند و به همین دلیل تصمیم گرفته بود به خانه جیم بیاید. جیم از توجه و دقت باریارا سپاسگزار است و چندین بار از او تشکر می‌کند.

الین تمام جریان را زیر نظر دارد و متوجه می‌شود باریارا به شوهر او علاقه زیادی دارد، و امکان دارد باریارا جیم را بشكل کسی فراتر از رئیس ببیند. الین بلافضلله سعی می‌کند در ذهن خود این دو هفتة گذشته را مرور کند و ببیند رابطه او با جیم راحت پیش رفته و چیزی پیش آمده است یا نه؟ آیا به قدر کافی با هم حرف زده‌اند؟ به قدر کافی با هم بیرون رفته‌اند؟ جیم و الین همیشه خوب می‌دانستند چنانچه مدام به رابطه‌شان رسیدگی نکنند، بی‌تردید مشکلاتی پیش می‌آید.

جیم و الین ۱۵ سال است زن و شوهرند. آنها نیز مثل اکثر زوج‌ها گاهی به مشکل برخورده‌اند، اما همیشه موفق شده‌اند این مشکلات را از پیش پا بردارند. آنها معتقد‌اند که دلیل موقوفیت آنها این بوده است که مدام به رابطه‌شان توجه نشان داده‌اند. آن دو از زمانهای پیش می‌دانسته‌اند که کشش تند آغازین آنها به یکدیگر، به احتمال زیاد تا به آخر پایدار نخواهد ماند و برای حفظ عشقی که به هم دارند می‌باشد زحمت زیادی بکشند، برای مثال هر وقت به مشکلی برمی‌خورند، بلافضلله درباره آن با هم حرف می‌زنند، آن را پنهان و سرکوب نمی‌کنند و این خطر را نمی‌کنند تا بعد از آنها به صورت مشکل بزرگتری سربرآورد، به علاوه، سعی می‌کنند در طول ماه حتماً موقعيت‌های خاصی به وجود بیاید که مبادا اسیر یکنواختی و کسالت شوند، به همین خاطر نیز اغلب با دادن هدایای کوچک یکدیگر را غافلگیر می‌کنند. این هدایا یادآور آن است که چه قدر مواظب و به فکر یکدیگرند. باریارا که می‌رود الین نگرانی خود در مورد باریارا را به جیم می‌گوید. جیم نیز به زن خود اطمینان می‌دهد که در زندگی او زنی غیر از الین وجود ندارد. جیم قبول دارد که باریارا زن جذابی است، اما تصریح می‌کند هرگز به زنی اجازه نمی‌دهد وارد حریم رابطه زیبای آنها شود. الین نیز از نگرانی خود می‌گوید که نکند آن طور که همیشه معمول آنها بوده است به رابطه خود نرسیده‌اند. جیم اذعان می‌کند شاید حق با الین باشد، و اضافه می‌کند امکان دارد توجهی که در این دو هفتة گذشته صرف رابطه خود کرده‌اند، خودجوش نبوده است. هرچه باشد کاری که انسان به انگیزه آنی انجام می‌دهد، اغلب در برافروختن دوباره شراره نخستین بسیار مؤثر است، شراره‌ای که در ابتدا آن دو را به هم جذب کرده بوده است. جیم با توجه به همین ذهنیت پیشنهاد می‌کند با هم به سفر تفریحی کوتاهی بروند. الین با همه وجود این پیشنهاد را می‌پذیرد و می‌نشینند و با هم بحث می‌کنند کجا بروند.

### نقاط قوت و نقاط ضعف:

بزرگترین حسن قصه باعچه، درک اهمیت مراقبت و رسیدگی است. در هیچ قصه‌ای به مانند قصه باعچه توجه و مراقبت دائم، اینگونه در روابط عجین نمی‌شود.

بزرگترین عیب و خطر بالقوه آن، این است که به مرور زمان حالت خودجوشی خود را از دست بدهد و کسالت و خستگی در آن شدت بگیرد.

دومین عیب بالقوه این قصه، خطر خفغان است. خطر اینکه توجه باگبان بیش از حد زیاد شود یا بیش از حد فراگیر شود، درست همانگونه که ممکن است کسی به گل‌های خود زیاد آب بدهد. پس لازم است انسان بداند کی امور را به حال خود بگذارد.

### قصه تجار:

در قصه تجارت رابطه شبیه کار تجاری اداره می‌شود. فرد بسوی جفت خود به عنوان «شريك تجاري» بالقوه جلب می‌شود و او را عمدتاً از نظر شایستگی اش در این نقش ارزیابی می‌کند و بدین ترتیب، ارزیابی دقیق مسائل اقتصادی، موقعیت اجتماعی، استعداد تجاری نقش بیشتری در شکل‌گیری این نوع روابط ایفا می‌کنند تا در شکل‌گیری انواع دیگر روابط.

در قصه تجارت هر یک از زوجین معتقد‌اند: ۱- رابطه نزدیک شرکت است، درست مثل بیشتر روابط تجاری، ۲- روابط نزدیک تنها بر پایه عشق استوار نیست، بلکه به اداره مالی خانوار نیز مربوط می‌شود، ۳- یکی از مهم‌ترین مقوله‌های یک ازدواج پول درآوردن و پول خرج کردن است، ۴- بعد از همه حرف‌ها و همه کارها معتقد مسائل اقتصادی دارای اهمیت کلیدی در یک ازدواج است.



### قصه دیوید و مردیت:

پنج سال از ازدواج دیوید (مرد) و مردیت (زن) می‌گذرد. به نظر تقریباً همه کسانی که آن دو را می‌شناسند ازدواج آنها کاملاً موفق بوده است. به راستی نیز موفقیت مالی آنها کاملاً مستحکم است. تقریباً هرگز با هم جر و بحث نمی‌کنند، و دخترشان مری مثل یک دسته گل است.

وظیفه دیوید رسیدگی به همه امور مالی است. اول، همه صورت حساب‌ها را می‌بردازد و همه هزینه‌های هفته پیش را حساب می‌کند. بعد با توجه به این هزینه‌ها، مبلغ معینی پول کنار می‌گذارد، تا به حساب پس‌اندازی که برای تأمین خرج دانشگاه مری باز کرده‌اند واریز کند و دست آخر محتاطانه برآورد می‌کند که هفته آینده چقدر پول خرج می‌کنند.

مردیت متصدی امور دیگر خانواده است. نخست معین می‌کند چه کسی مسئول برآوردن نیازهای مری باشد، بعد فهرستی از کارهای خانه تهیه می‌کند و هر شخص خاص را مأمور انجام وظیفه خاصی می‌کند، و تعیین می‌کند این وظایف در چه تاریخ و چه ساعتی باید انجام شوند. البته در طول هفته گهگاه مشکلاتی بروز می‌کند که برنامه او را بر هم می‌زنند. در چنین موقعی دیوید و مردیت هر دو می‌نشینند و در مورد راههای مختلف برای مواجهه و حل آن مشکل خاص با هم بحث می‌کنند.

احتمالاً تنها کسی که فکر نمی‌کند ازدواج دیوید و مردیت یک ازدواج موفق و به کمال است، برادر کوچک دیوید «جیمی» است. جیمی بیشتر طرفدار عشق و عاشقی است و اغلب از برادر بزرگتر می‌پرسد، چگونه چنین رابطه‌ای روح و خشکی را تحمل می‌کند. دیوید می‌گوید رابطه خود را به چشم یک رابطه کارآمد می‌بیند و نه خشک، البته این را هم قبول دارد که بین او و زنش شور و عشق چندانی وجود ندارد و اظهار می‌دارد رابطه‌ای که شبیه کار تجارتی باشد مزایای مهمی به همراه دارد. ثبات مالی خانواده را برقرار می‌کند و تضمین می‌کند رفاه همه جانبه مری همیشه محفوظ بماند.

واقعیت آنکه آن دو بیش از حد به شیوه روشمند زندگی کردن خود عادت کرده بودند.

دیوید معتقد است در زندگی زناشویی وی، عشق در علاقه مشترک او و مردیت به رفاه خانواده نهفته است، نه در علاقه پرشور آنها به یکدیگر.

### نقاط قوت و نقاط ضعف:

قصه تجارت حسن‌های بالقوه چندی دارد: ۱- صورت حساب‌ها راحت‌تر پرداخت می‌شود، ۲- از مقایسه با بسیاری از انواع دیگر ازدواج‌ها اساساً مرزهای هر نقشی دقیق‌تر تعیین شده و تعریف روش‌تری از نقش‌ها به دست می‌دهد، ۳- در موقعیت خوبی برای اتحاد قرار دارند.

عیوب‌های قصه تجارت زمانی چهره می‌نماید که فقط یکی از دو زوج رابطه عاشقانه‌شان را به چشم قصه تجارت نگاه کند، جفت دیگر ممکن است خیلی زود از این رابطه زده شود و بیرون از چهارچوب ازدواج به دنبال هیجان و علاقه بگردد. منتخب ایاتی درباره عشق از دیوان نظامی گنجوی:

#### سخنی چند در عشق

مبادا تا زیم جز عشق کاری  
جهان بی خاک عشق آبی ندارد  
همه صاحبدلان را پیشه این است  
همه بازیست الا عشق قبازی  
که بودی زنده در دوران عالم

مرا کز عشق به ناید شعاری (شماری)  
فلک جز عشق محرابی ندارد  
غلام عشق شو کاندیشه این است  
جهان عشقست و دیگر زرق سازی  
اگر بی عشق بودی جان عالم



گرش صد جان بود بی عشق مردست  
 نه از سودای خویشت وارهاند  
 کس این نیست جز در خانه عشق  
 که بی او گل نخنید ابر بگریست  
 قدم در عشق نه کو جان جانست  
 به معشوقی زند در گوهری چنگ  
 بدان شوق آهنی را چون ربودی  
 نبودی کهربا جوینده کاه  
 نه آهن رانه کم را می‌ربایند  
 حکیمان این کشش را عشق خوانند  
 بعض اسست ایستاده آفرینش  
 کجا هرگز زمین آباد بودی

کسی کز عشق خالی شد فسردست  
 اگر خود عشق هیچ افسون نداند  
 نروید تخم کس بی دانه عشق  
 زوز عشق بهتر در جهان چیست  
 مبین در دل که او سلطان جانست  
 اگر عشق او فتد در سینه سنگ  
 که مغناطیس اگر عاشق نبودی  
 و گر عشق نبودی بر گذرگاه  
 بسی سنگو بسی گوهر بجایند  
 طبایع جز کشش کاری ندانند  
 گر اندیشه کنی از راه بینش  
 گر از عشق آسمان آزاد بودی





## این چنین آورده اند:

### ابليس و فرعون

می‌گویند ابليس، زمانی نزد فرعون آمد در حالیکه فرعون خوشای انگور در دست داشت و می‌خورد، ابليس به او گفت: آیا هیچکس می‌تواند این خوش انگور را به مروارید خوش آب و رنگ مبدل سازد؟

فرعون گفت: نه

ابليس باشیوه مخصوص خودش (جادوگری و سحر) آن خوش انگور را به دانه‌های مروارید تبدیل کرد.

پس فرعون تعجب کرد و گفت: آفرین بر تو که استاد و ماهری...

ابليس سیلی ای بر گردن او زد و گفت: مرا با این استادی به بندگی قبول نکردن، تو با این حماقت چگونه دعوی خدایی می‌کنی؟

### خدایا شکر...!

روزی مردی خواب عجیبی دید او دید که پیش فرشته‌هاست و به کارهای آن‌ها نگاه می‌کند. هنگام ورود، دسته بزرگی از فرشتگان را دید که سخت مشغول کارند و تند تند نامه‌هایی را که توسط پیک‌ها از زمین می‌رسند، باز می‌کنند و آن‌ها را داخل جعبه می‌گذارند. مرد از فرشته‌ای پرسید، شما چه کار می‌کنید؟ فرشته در حالی که داشت نامه‌ای را باز می‌کرد، گفت: این جا بخش دریافت است و دعاها و تقاضاهای مردم از خداوند را تحويل می‌گیریم. مرد کمی جلوتر رفت، باز تعدادی از فرشتگان را دید که کاغذهایی را داخل پاکت می‌گذارند و آن‌ها را توسط پیک‌هایی به زمین می‌فرستند. مرد پرسید شماها چکار می‌کنید؟ یکی از فرشتگان با عجله گفت: این جا بخش ارسال است، ما الطاف و رحمت‌های خداوندی را برای بندگان می‌فرستیم. مرد کمی جلوتر رفت و دید یک فرشته بیکار نشسته است. مرد با تعجب از فرشته پرسید: شما چرا بیکارید؟ فرشته جواب داد: این جا بخش تصدیق جواب است. مردمی که دعاها‌یشان مستجاب شده، باید جواب بفرستند ولی عده بسیار کمی جواب می‌دهند. مرد از فرشته پرسید: مردم چگونه می‌توانند جواب بفرستند؟ فرشته پاسخ داد: بسیار ساده، فقط کافی است بگویند: خدایا شکر!

### خدا هست

دانشجویی سر کلاس فلسفه نشسته بود. موضوع درس درباره خدا بود.

استاد پرسید: آیا در این کلاس کسی هست که صدای خدا را شنیده باشد؟ کسی پاسخ نداد.

استاد دوباره پرسید: آیا در این کلاس کسی هست که خدا را لمس کرده باشد؟ دوباره کسی پاسخ نداد.

استاد برای سومین بار پرسید: آیا در این کلاس کسی هست که خدا را دیده باشد؟ برای سومین بار هم کسی پاسخ نداد. استاد با قاطعیت گفت: با این وصف خدا وجود ندارد.

دانشجو به هیچ روی با استدلال استاد موافق نبود و اجازه خواست تا صحبت کند. استاد پذیرفت. دانشجو از جایش برخواست و از همکلاسی‌هایش پرسید: آیا در این کلاس کسی هست که صدای مغز استاد را شنیده باشد؟ همه سکوت کردند.

آیا در این کلاس کسی هست که مغز استاد را لمس کرده باشد؟ همچنان کسی چیزی نگفت.

آیا در این کلاس کسی هست که مغز استاد را دیده باشد؟

وقتی برای سومین بار کسی پاسخی نداد، دانشجو چنین نتیجه‌گیری کرد که استادشان مغز ندارد.



## پیلاتس یا پیلاتز یا پیلاتس (به انگلیسی: Pilates)

\* تهیه کننده: سمیه علی‌زمانی

نوعی سیستم آمادگی جسمانی است که در اوایل قرن بیستم توسط یوزف پیلاتس ابداع شد و در آلمان، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا مورد توجه قرار گرفت. در سال ۲۰۰۵ میلادی، ۱۱،۰۰۰ نفر در سرتاسر ایالات متحده به طور منظم به انجام تمرینات مخصوص این رشته مشغول بودند و ۱۴،۰۰۰ نفر مدرس پیلاتس در این کشور وجود داشتند.

نام پیلاتس به افتخار یوزف پیلاتس بر داشت کنترل بدن یا کنترولوزی اطلاق گردید، زیرا او به عنوان مبدع این روش معتقد بود که با کنترولوزی می‌توان از ذهن برای کنترل عضلات بدن بهره برد. سیستم ورزشی پیلاتس که در سال ۱۹۲۰ توسط یوزف پیلاتس پایه گذاری گردید، متشکل از ورزش‌هایی است که تمرکز روی پیشرفت انعطاف و قدرت در تمام اندام‌های بدن دارد، بدون اینکه عضلات را حجیم کند یا آنها را از بین ببرد. این روش تمرینی از حرکات کنترل شده‌ای تشکیل شده که بین بدن و مغز هارمونی فیزیکی ایجاد کرده و توانایی بدن افراد را در هر سن بالا می‌برد. روش پیلاتس در مجموع به دنبال افزایش قدرت، انعطاف پذیری و کنترل بدن است.

پیلاتس به مجموعه‌ای از تمرینات ورزشی تخصصی اطلاق می‌شود که بر بدن و ذهن فرد تاثیر گذاشته و ضمن بالا بردن قدرت واستقامت تمام اعضای بدن، عمقی ترین عضلات بدن را مورد هدف قرار می‌دهد.

تمرینات پیلاتس عبارت از تلاش برای تمرکز فکر و درایت فرد برروی عضلات بدن و چگونگی و عملکرد آنهاست. به مرور زمان و با اجرای مکرر حرکات، ذهن انسان بدن را بهتر درک می‌کند و آن را توانمندتر و متعادل تر می‌سازد. همچنین حرکات پیلاتس عضلات و مفاصلی را مورد هدف قرار می‌دهد که در فعالیت‌های روزانه درگیر هستند، مانند: نشستن، راه رفتن، حمل کردن بار، خم و راست شدن. با تمرینات ورزشی پیلاتس طرز صحیح انجام حرکات روزانه در بدن ثبت می‌شود. پیلاتس حرکات ورزشی را به شکلی آموزش می‌دهد که مانع بروز صدمات ورزشی گردد.

کنترولوزی به ایجاد هارمونی یا هماهنگی کامل بین جسم، ذهن و روح انسان اطلاق شده است. علم کنترولوزی به فرد می‌آموزد که با مغز و اراده خویش، اختیار کامل جسم را در دست بگیرد؛ بدین ترتیب که عضلات بدن فرد از اراده او فرمان ببرند. افراد ابتدا از طریق کنترولوزی به شیوه هدفمند، کنترل کامل جسم خود را در دست می‌گیرند و سپس از راه تکرار کامل حرکات آن به شیوه تدریجی ولی پیشرفت کننده به یک نوع هماهنگی طبیعی دست پیدا می‌کنند. کنترولوزی باعث پرورش هماهنگ اجزای بدن می‌شود، حالت‌ها و حرکات نادرست بدن را اصلاح می‌کند، نیروی حیات را به بدن بازمی‌گرداند و توان ذهنی را افزایش می‌دهد.

### [تاریخچه]

پیلاتس نخستین بار توسط یوزف پیلاتس، که متولد سال ۱۸۸۰ در آلمان بود، طراحی شد. وی در طول نیمه اول قرن بیستم، نسبت به گسترش و توسعه مجموعه‌ای از تمرینات خاص، که به منظور تقویت بدن و ذهن انسان در نظر گرفته شده بودند، اقدام نمود. یوزف پیلاتس معتقد بود که سلامت جسمی و روانی ارتباط درونی تنگاتنگی با یکدیگر دارند.

او در دوران جوانی خویش با سیاری از شیوه‌ها و روش‌های تمرین فیزیکی و نرمش بدنی که در آلمان آن روزگار قابل دسترسی بودند، آشنایی پیدا کرده بود. این شیوه همچنین با روش‌های سنتی همچون «ورزش‌ها و تمرینات اصلاحگر» و یا «ژیمناستیک طبی» که توسط پهر هنریک لینگ مورد توجه قرار گرفته بودند، در ارتباط بود.

پیلاتس روشی از تمرینات ورزشی بود که در سال ۱۹۲۰ توسط یوزف پیلاتس به وجود آمد در اصل جزء برنامه‌های آمادگی جسمانی زندانیان جنگ بود و بعدها به عنوان یکی از وسایل رسیدن به بالاترین سطح زیبایی اندام تبدیل شد. نام این ورزش در ابتدا توسط یوزف پیلاتس علم کنترل بدن نام گذاری شده بود که پس از مرگ وی بدلیل احترام و حفظ یاد و خاطره او توسط بازماندگانش به نام پیلاتس متداول شد.



یوزف پیلاتس، در طی دوران زندگی خویش، دو کتاب منتشر نمود که هردوی آنها به تمرینات مخصوص روش ابداعی او مربوط بود: کتاب نخست که وی آن را در سال ۱۹۳۴ تدوین کرد و عنوان آن: سلامتی شما: مجموعه‌ای اصلاحگر از تمرینات ورزشی که انقلابی در کل رشته تربیت بدنی هستند و کتاب دیگر که در ۱۹۴۵ انتشار یافت و عنوانش: بازگشت به زندگی از طریق کنترولوژی (دانش کنترل بدن) بود.

این روش پس از مرگ یوزف پیلاتس نیز توسط گروه کوچک طرفداران وی زنده نگه داشته شد و رفته رفته علوم تازه نیز به قوانین مورد توجه پیلاتس پی بردا. این ورزش ناشناخته به تدریج تبدیل به یک روش تکمیلی ورزشی به شکل همگانی و حتی خانگی شده‌است.

### اصول مهم در پیلاتس

پیلاتس بر مبنای شش اصل: تمرکز، کنترل، تحرک، ایجاد نیروی دفاعی، دقت و تنفس (هوایگیری)، بنا شده‌است. این ۶ اصل مهم پیلاتس برای کیفیت عملکرد و نتیجه موفقیت آمیز این ورزش عناصر حیاتی هستند. ورزش پیلاتس همیشه تمامی تکیه خود را بر روی کیفیت گذاشته نه کمیت. بر عکس سیستم‌های ورزشی دیگر که شامل تکرار بیش از حد هر حرکت ورزشی است، در پیلاتس انجام هر کدام از حرکات به طور کامل و با دقت صورت می‌گیرد و این امر باعث می‌شود که ورزشکار در کوتاه‌ترین زمان ممکن به نتایج دلخواه دست یابد.

پیلاتس درواقع یک روش منحصر به فرد ورزشی است که در آن، قوای بدنی و پایداری ستون فقرات، تا زمانی که ۶ اصل اولیه آن رعایت شود، حفظ می‌گردد. وزنه برداری به طور مثال می‌تواند توجه زیادی روی بازوها یا قوای پاها نشان دهد. بدون توجه به این موضوع که این قسمت‌ها در ارتباط با سایر بخش‌های بدن هستند. حتی دویدن یا شنا کردن نیز روی پاها و بازوها و کمی به نرمی روی اعصاب کار می‌کند. در نهایت کسانی در ورزش کردن موفق می‌شوند که بتوانند هسته ماهیچه‌های انسان را به کار بیندازند اما در پیلاتس این دستیابی به کل در آن جا داده شده و از ابتدا یاد گرفته می‌شود.

انسان‌ها تقریباً در دوران کودکی از نعمت رشد طبیعی و متعارف جسمانی برخوردارند اما با شروع دوران بلوغ، جسم افت کرده و شانه‌ها خمیده می‌شوند، عضلات شل و آویزان شده و نیروی حیاتی بشدت رو به تحلیل می‌رود. این قضیه امری فراگیر و طبیعی است و گفته می‌شود انجام حرکات ورزشی کنترولوژی و رعایت دستورالعمل‌های آن پرورش جسمانی را به ایده آل نزدیک می‌کند.

فواید پیلاتس: کسانی که کنترولوژی را برای اولین بار تجربه می‌کنند احساس می‌کنند سرحال آمده و بعداز سال‌ها ذهن آنان از خواب بیدار شده‌است. گفته می‌شود که کنترولوژی باعث پرورش هماهنگ اجزای بدن شده و حالت‌ها و حرکات نادرست بدن را اصلاح می‌کند. این روش همچنین نیروی حیات را به بدن بازمی‌گرداند و توان ذهنی را افزایش می‌دهد. در عین حال ادعا شده‌است که ورزش پیلاتس دارای فواید ذیل می‌باشد:

- بالا بردن و تقویت سیستم ایمنی بدن
- بالا بردن تمامی قوای بدن در جهت اینکه فکر و ذهن را از افکار منفی آزاد سازد. برخلاف یوگا بدن در حال حرکت است.
- کاهش دهنده دردهای مهره‌ای و کمر
- ایجاد کشیدگی در ظاهر اندام
- به وجود آورنده شکل ظاهری بهتر اندام
- شکم صاف و کمر باریک
- پیشرفت انعطاف و تعادل
- افزایش قابلیت تحرک مفاصل
- حجمی کردن فضای ریه و بالا بردن قابلیت تنفس
- تقویت سیستم قلبی-عروقی
- بالا بردن دامنه حرکتی مفاصل و عضلات
- از بین بردن درصد احتمالی جراحات و آسیب پذیری



علاوه بر این کسانی که ورزش پیلاتس را انجام می‌دهند خواب بیهتر، عصبانیت کمتر، استرس و خستگی کمتر خواهد داشت. از آنجاکه این روش تمرینی در وضعیت‌های ایستاده نشسته و خوابیده بدون طی مسافت و پرش و جهش انجام می‌گیرد آسیب‌های ناشی از صدمات مفصلی را کاهش می‌دهد، زیرا حرکات ورزشی در دامنه‌های حرکتی در سه وضعیت فوق با اجرای تنفس‌های عمیق و انقباض‌های عضلانی انجام می‌گیرد.

با شروع پیلاتس می‌توان قدم به قدم تغییر ظاهر، اجرای صحیح حرکات، بدن جدید و بهتر، متوازن، صاف و کشیده، بلندر، باریک‌تر و انعطاف‌پذیرتر با یک قدرت پنهانی ساخت. هدف پیلاتس از تقویت قوای بدنی کسب و حفظ بدنی سالم و ذهنی سالم برای اجرای خوب کارهای روزانه و دیگر فعالیت‌های بدنی است.

پیلاتس و یوگا امروزه در جوامع مختلف، علاقمندان به خود را دارند. جنس و سن در این ورزش فرقی ندارد و همگان برای سلامتی این ورزش را انجام می‌دهند. این دو نوع ورزش جدید، برای کاهش وزن و تناسب اندام بسیار مفید می‌باشند. پیلاتس (*Pilates*)، ورزشی است که تمام تمرکز خود را بر روی پیشرفت بدن بر اساس توازن معطوف می‌کند.

روش تمرینی پیلاتس منشکل از ورزش‌هایی است که تمرکز روی پیشرفت انعطاف و قدرت در تمام اندام‌های بدن دارد بدون اینکه عضلات را حجمی کند یا آنها را از بین ببرد. این روش تمرینی از حرکات کنترل شده‌ای تشکیل شده که بین بدن و مغز هارمونی فیزیکی ایجاد کرده و توانایی بدن افراد را در هر سن بالا می‌برد.

### چرا پیلاتس این مقدار موفقیت آمیز بوده است

چگونه این ورزش ناشناخته امروزه تبدیل به یک روش تکمیلی ورزشی به شکل همگانی و حتی خانگی شده است؟! بسیار ساده، گفتار صادقانه پیلاتس و اینکه این ورزش بسیار عالی عمل می‌کند و به تمام وعده‌های خود عمل می‌کند. افراد در هر وضعیتی که باشند، ورزشکار حرفه‌ای یا تازه کار، خانمهای خانه دار یا آقایان کارمند و پر مشغله اگر ورزش پیلاتس را آغاز کنند اطمینان می‌دهیم که نتیجه مثبت آن را خواهند دید. با شروع پیلاتس می‌توان قدم به قدم تغییر ظاهر، اجرای صحیح حرکات، بدن جدید و بهتر، متوازن، صاف و کشیده، بلندر، باریک‌تر و انعطاف‌پذیرتر با یک قدرت پنهانی ساخت. اعتقاد پیلاتس از تقویت قوای بدنی کسب و حفظ بدنی سالم و ذهنی سالم برای اجرای خوب کارهای روزانه و دیگر فعالیتهای بدنی است.

### ۸ اصل اولیه پیلاتس

- آرامش: تمرینات را با آرامش آغاز کنید و خود را خسته نکنید. البته منظور از آرامش تنبلی نیست
- تمرکز: لازمه کنترل اعمالی که انجام می‌دهید تمرکز در نحوه انجام تمرینات است. تفکر هوشمندانه در انجام درست حرکات به شما کمک بسیار بزرگی خواهد کرد.
- هماهنگی: خودآگاهی بیشتر در مورد بدن موجب هماهنگی بیشتر و بهتری در انجام حرکات خواهد بود. با تکرار تمرینات حرکات شما از ظرافت بیشتری برخوردار خواهند شد.
- جهت دهی مناسب: به وضعیت درست بدنتان توجه نمایید. قبل از شروع هر حرکتی موارد زیر را در ذهن خود مرور نمایید:
  ۱. به وضعیت قرارگیری شمال-جنوب و شرق-غرب توجه نمایید که در آن نیروها بر روی یکدیگر اثری ندارند
  ۲. ستون فقرات را همیشه تا جایی که می‌توانید در وضعیت کشیده قرار دهید.
  ۳. گردن را کشیده و آرام قرار دهید
  ۴. به وضعیت قرارگیری پاهایتان توجه داشته باشید.
- تنفس: تنفس عمیق و کامل را فراموش نکنید و در شروع تمرین نفس عمیقی بکشید و در حین انجام تمرین نیز نفس را بیرون دهید.
- حرکت: حرکات روان آرام و آهسته را از مرکز به طرف بیرون اجرا کنید
- مرکز سازی: یک مرکز ثقل قوی در میانه بدن داشته باشید بطوریکه قبل از هر حرکتی ناف به سمت داخل کشیده شود.
- وضع و حالت انجام تمرین: حرکات را با آرامش و حوصله و قدرت انجام دهید و از انجام آنها بصورت شدید پرهیز کنید.



## فواید تمرینات پیلاتس

- ثبیت سلامت عمومی بدن. در نتیجه این تمرینات گردش خون ثبیت شده و بدین ترتیب اکسیژن بیشتری وارد خون شده و در نتیجه عروق لنفاوی بهتر عمل کرده و ایندورفین‌ها ( هورمون‌های درونی آرام بخش ) آزاد می‌شوند و سیستم ایمنی تقویت شده و توان مقاومت بدن در برابر بیماری‌ها افزایش می‌یابد و سیستم ایمنی بدن تقویت می‌شود.
- بالا بردن توان ذهنی در جهت پاک سازی افکار منفی. آرامش یکی از بخش‌های مهم تمرینات پیلاتس است و طرفداران آن خیلی درباره آرامش درونی خود که بعد از تمرینات بدست می‌آید سخن می‌گویند.
- پیلاتس راه حل مناسب برای درمان دردهای مزمن پشت و کمر ارائه می‌دهد. بواسطه تمرینات ترکیبی تقویت کننده عضلات تن، تجدید تعادل و آرامش بدن همراه با وضعیت مناسب جسمانی، پیلاتس از دردهای پشت جلوگیری می‌کند و در درمان درهای مزمن کمر و پشت ( نه دردهای حاد ) مفید است.
- برطرف شدن نقاچیص ایستادن. با انجام تمرین‌های پیلاتس حرکات بدن با صرف انرژی کمتری انجام پذیر است و فرد وضعیت ایستادن بهتری خواهد داشت و هنگامی که نقاچیص ایستادن رفع شوند فرد احساس کشیده بودن قامت و سلامتی خواهد نمود.
- تمرینات پیلاتس همراه با تقدیمه مناسب جلوی پوکی استخوان را خواهد گرفت. جدیدترین تحقیقات نشان دهنده اثر مثبت ورزش‌های پیلاتس همراه با وزنه در پیشگیری و معالجه پوکی استخوان می‌باشد.
- از آنجا که این روش تمرینی در وضعیت‌های ایستاده نشسته و خوابیده بدون طی مسافت و پرش و چesh انجام می‌گیرد آسیب‌های ناشی از صدمات مفصلی را کاهش می‌دهد، زیرا حرکات ورزشی در دامنه‌های حرکتی در سه وضعیت فوق با اجرای تنفس‌های عمیق و انقباطهای عضلانی انجام می‌گیرد.
- احساس جوانی. خود را جوان تر احساس می‌کنید و جوانتر دیده خواهید شد چرا که وضعیت پوست و موی شما بهتر می‌گردد و بدون آنکه در وزن شما تغییر خاصی بوجود آید به واسطه تناسب بهتر بدن لاغرتر و زیباتر بنظر خواهید رسید.

## پیلاتس برای چه کسانی مفید است

- بطور کلی این تمرینات برای تمامی مردان و زنان در هر سنی که علاقه مند به پرورش اندام و وضعیت عمومی جسمانی خود هستند مفید است.
- ورزشکاران بخصوص کسانی که به علت داشتن حرکات یک جانبه صدمه دیده اند. مثل بازیکنان گلف و تنیس.
- هنرمندان نمایشی ورزشی و هنرپیشگان و موسیقی دانان و برای کسانیکه داشتن حالت ظاهری خوب مهم است.
- کسانیکه بطور مزمن دچار درد پشت می‌باشند.
- تمام کسانی که پس از یک دوره نقاچت می‌خواهند دوباره یک زندگی بانشساط را آغاز کنند.
- سالخوردگانی که می‌خواهند بدون قید و شرط دوباره فعال و مستقل باشند.
- زنان و مردانی که می‌خواهند از پوکی استخوان جلوگیری کنند.
- تمام کسانیکه مبتلا به فشارهای روانی ناشی از خستگی یا بیماریهای ناشی از آن هستند.


**فیثاغورث: عدد بر جهان حکومت می‌کند\***
**اعجاز اعداد**

یکی از اشکال عدد شناسی که بسیار نیز متداول گردیده بود، علم حروف است. در الفبای عبری و یونانی هر حرف دارای دو معنی می‌گذاشت. جمع اعداد حروف یک کلمه، شماره‌ی آن کلمه را معین می‌کرد و از نظر علم حروف هر گاه دو کلمه نماینده‌ی یک عدد بودند هم ارز تلقی می‌شدند.

نه تنها از زمان بسیار قدیم علم حروف برای تفسیر آیات کتاب مقدس به کار می‌رفت بلکه نشانه‌هایی در دست است که نویسنده‌گان کتاب مقدس نیز این هنر را به کار بسته‌اند. بدین ترتیب ابراهیم در جریان نجات برادرش ۳۱۸ غلام به همراه داشت. آیا این اتفاقی است که تعداد عددی کلمه‌ی عبری او برابر ۳۱۸ است؟

مثال‌های متعددی از علم حروف در اساطیر یونان یافت می‌شود. نام قهرمانانی چون پارتو کلوس و هکتور و آشیل به ترتیب برابر با عده‌های ۸۷ و ۱۲۷۶ است و برتری آشیل را به سایرین به همین امر نسبت می‌دادند. شاعری که می‌خواست یکی از دشمنانش به نام تاماگوراس را ناراحت کند، که این کلمه هم ارز کلمه‌ی لویموس که نوعی طاعون است می‌باشد. در الهیات مسیحی علم حروف برای تفسیر گذشته و پیش‌گویی آینده به کار رفته است. شماره‌ی جانور وحشی در کتاب مکافهه‌ی یوحنا یعنی عدد ۶۶ دارای معنی خاصی بوده.

اگر شما به دقت فیلمهایی با مضامین شیطانی و مرگ و روح را مشاهده کرده باشید مطمئناً به کارگیری عدد ۶۶ در اینگونه فیلمها شما را متعجب می‌کند.

۶۶ را علامت ابليس نامیده‌اند و این شهرت را از کتاب وحی (فصل ۱۳، شعر ۱۸، برای کامل بودن) به دست آورده است.


**رمزهای اعجاز آمیز قرآن منحصر از این قرارند :**

۱. اولین ایه قرآن «بسم الله الرحمن الرحيم» دارای ۱۹ حرف عربی است .
۲. قرآن مجید از ۱۱۴ سوره تشکیل شده است و این عدد به ۱۹ قسمت است. (۱۹×۶)
۳. اولین سوره که نازل شده است سوره علق (شماره ۶۶) نوزدهمین سوره از آخر قرآن است .
۴. سوره علق ۱۹ آیه دارد .
۵. سوره علق ۲۸۵ حرف (۱۹×۱۵) دارد .
۶. اولین بار که جبرئیل امین با قرآن فرود آمد ۵ آیه اولی سوره علق آورد که شامل ۱۹ کلمه است .
۷. این ۱۹ کلمه ، ۷۶ حرف (۱۹×۴) دارد که به تعداد حروف بسم الله الرحمن الرحيم است .
۸. دومین باری که جبرئیل امین فرود آمد ۹ آیه اولی سوره قلم (شماره ۶۸) را آورد که شامل ۳۸ کلمه است. (۱۹×۲)

\* - تهییه کننده: انجمن علمی گروه ریاضی

۹. سومین باری که جبرئیل امین فرود آمد ۱۰ آیه اولی سوره مزمل (شماره ۷۳) را آورد که شامل ۵۷ کلمه است. (۱۹×۳)
۱۰. چهارمین بار که جبرئیل امین فرود آمد ۳۰ آیه سوره مدثر (شماره ۷۴) را آورد که آخرین آیه آن «بِرَّ آن دوزخ ۱۹ فرشته موکلند» می‌باشد. (آیه ۳۰)
۱۱. پنجمین بار که جبرئیل فرود آمد اولین سوره کامل شد «فاتحه الكتاب» را آورد که با اولین بیانیه قرآن بسم الله الرحمن الرحيم (۱۹ حرف) آغاز می‌شود. این بیانیه ۱۹ حرفی بلافصله بعد از نزول آیه «بِرَّ آن دوزخ ۱۹ فرشته موکلند» نازل شد. این مراتب گواهی ارتباط آری از شبکه آیه ۳۰ سوره مدثر (عدد ۱۹) و اولین بیانیه قرآن «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» (عدد ۱۹) با سیستم اعدادی اعجاز آمیز است که بر عدد ۱۹ بنا نهاده شده است.
۱۲. آفریننده ذوالجلال و عظیم الشان با آیه ۳۱ سوره مدثر به ما یاد می‌دهد که چرا عدد ۱۹ را انتخاب کرده است. پنج دلیل زیر را بیان می‌فرمایید:
  - (الف) بی ایمانان را آشفته سازد.
  - (ب) به خوبان یهود و نصارا اطمینان دهد که قرآن آسمانی است.
  - (ج) ایمان مومنان تقویت نماید.
  - (د) تا هر گونه اثر شک و تردید را از دل مسلمانان و خوبان یهودیت و مسحیت بزداید.
  - (ه) تا منافقین و کفار را که سیستم اعدادی قرآن را قبول ندارند رسوا سازد.
۱۳. آفریننده بما می‌آموزد که این نظم اعدادی قرآن تذکری به تمام جهانیان است (آیه ۳۱ سوره مدثر) و یکی از معجزات عظیم قرآن است. (آیه ۳۵)
۱۴. هر کلمه از جمله آغازیه قرآن بسم الله الرحمن الرحيم در تمام قرآن به نحوی تکرار شده که به عدد ۱۹ قابل تقسیم است. بدین ترتیب که کلمه اسم ۱۹ بار کلمه الله ۲۶۹۸ بار (۱۹×۴۲) کلمه الرحمن ۵۷ بار (۱۹×۳) و کلمه الرحيم ۱۱۴ بار (۱۹×۶) دیده می‌شود.
۱۵. قرآن ۱۱۴ سوره دارد که هر کدام از سوره‌ها به آیه افتتاحیه بسم الله الرحمن الرحيم آغاز می‌شود به جز سوره توبه (شماره ۹) که بدون آیه معمولة افتتاحیه است. لذا آیه بسم الله الرحمن الرحيم در ابتدای سوره ها ۱۱۳ بار تکرار شده است. چون این رقم به ۱۹ قابل قسمت نیست و سیستم اعدادی قرآن آسمانی ساخته پروردگار باید کامل باشد یکصد و چهارمین آیه بسم الله را در سوره نمل که دو بسم الله دارد (آیه ۲۷) (آیه افتتاحیه و آیه ۳۰) بنایارین قرآن مجید ۱۱۴ بسم الله دارد.
۱۶. همانطور که در بالا اشاره شد سوره توبه فاقد آیه افتتاحیه بسم الله است. هرگاه از سوره توبه شروع کرده آن را سوره شماره یک و سوره یونس را سوره شماره دو فرض نموده و به همین ترتیب جلو برویم ملاحظه می‌شود که سوره النمل نوزدهمین سوره است (سوره ۲۷) که بسم الله تکمیلی را دارد. از این نظم نتیجه می‌گیریم که قرآنی که اکنون در دست ماست با قرآن زمان پیامبر از لحاظ ترتیب سوره‌ها یکی است.
۱۷. تعداد کلمات موجود بین دو آیه بسم الله سوره النمل (۳۴۲×۱۸) می‌باشد.
۱۸. قرآن مجید شامل اعداد بی شماری است. مثلاً ما موسی را برای چهل شب احضار کردیم، ما هفت آسمان را آفریدیم. شمار این اعداد در تمام قرآن (۱۹×۳۸۵) می‌باشد.
۱۹. اگر اعداد ۲۸۵ فوق را با هم جمع کنیم حاصل جمع ۱۷۴۵۹۱ (۱۹×۹۱۸۹) خواهد بود.
۲۰. حتی اگر اعداد تکراری را از عدد فوق حذف نماییم حاصل جمع ۱۶۲۱۴۶ (۱۹×۸۵۳۴) خواهد بود.
۲۱. یک کیفیت مخصوص به قرآن مجید این است که ۲۹ سوره با حروف رمزی شروع می‌شود که معنی ظاهری ندارد. این علامات در هیچ کتاب دیگری و در هیچ جایی دیده نمی‌شود. این حروف در ابتدای سوره‌های قرآن بخش مهمی از طرح اعدادی اعجاز آمیز می‌باشد که بر عدد ۱۹ بنا شده است. اولین نشانه این ارتباط این است که ۲۹ سوره از قرآن با این علامات شروع می‌شود. تعداد حروف الفباء در این رموز ۱۴ و تعداد خود رمزاها نیز ۱۴ می‌باشد. هرگاه تعداد سوره‌ها (۲۹) و حرف الفباء (۱۴) را با تعداد رمزاها (۱۴) جمع کنیم، حاصل جمع ۵۷ (۱۹×۳) (خواهد بود).



۲۲. خداوند توana به ما می‌یاد می‌دهد که در هشت سوره و سوره‌های شماره (۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸) دو آیه که با این رموز آغاز می‌شوند حاوی و حامل معجزه قرآن هستند، باید توجه داشت که قرآن کلمه «آیه» را به معنی معجزه بکار برده است. باید کلمه آیه دارای معانی متعددی باشد که یکی از آنها معجزه است و نیز باید دانست که خود کلمه معجزه در هیچ جای قرآن بکار برده نشده است.

بدین ترتیب قرآن مناسب تفسیر نسلهای گوناگون بشریت است. مثلاً نسلهای قبلی (پیشین از کشف اهمیت حروف رمزی قرآن) کلمه آیه را در این هشت سوره، آیه نیم بیتی می‌پنداشتند. ولی نسلهای بعدی که از اهمیت این رموز باخبر شدند آیه را به معنی معجزه تفسیر کرده‌اند. بکار بردن کلمات چند معنایی و مناسب برای همه نسلهای بشر در زمانهای گوناگون خود یکی از معجزات قرآن است.

۲۳. سوره قاف که با حرف ق شروع می‌شود (شماره ۵۰) شامل (۱۹×۳۵۷) حروف ق است.

۲۴. سوره دیگری در قرآن حروف ق را با علام رمزی خود دارد (سوره شورا شماره ۴۲) (که اگر حروف ق را در این سوره شمارش نمائید ملاحظه خواهید کرد که حرف ق (۱۹×۳۵۷) بار تکرار شده است.

۲۵. بدین ترتیب در می‌یابید که دو سوره قرآنی فوق الذکر (شماره ۵۰ و ۴۲) به اندازه همدیگر (۵۷) شامل حرف ق هستند که مجموع آن دو با تعداد سوره‌های قرآن (۱۱۴) برابر است. چون سوره ق بدین نحو آغاز می‌شود ق و القران المجيد تصویر حرف ق به معنی قرآن مجید می‌نماید و ۱۱۴ ق مذکور گواه ۱۱۴ سوره‌های قرآن است. این احتساب اعداد آشکار و گویا، مدلل می‌دارد که ۱۱۴ سوره قرآن تمام قرآن را تشکیل می‌دهند و چیزی جز قرآن نیستند.

۲۶. آمار کامپیوتر نشان می‌دهد که فقط این دو سوره که با حرف ق آغاز می‌شود دارای تعداد معینی ق (۵۷ مورد) هستند گوئی خداوند توana می‌خواهد با اشاره و کنایه بفرماید که خودش تنها از تعداد حروف الفبا در سوره‌های قرآن باخبر است.

۲۷. یک نمونه در آیه ۱۳ از سوره ق مدلل می‌دارد که هر کلمه در حقیقت هر حروف در قرآن مجید به دستور الهی و طبق سیستم اعدادی بخصوصی که بیرون از قدرت بشر است گنجانده شده است این آیه می‌فرماید «عاد، فرعون و اخوان لوط» در تمام قرآن مردمی که لوط را نپذیرفتند، قوم نامیده می‌شوند. خواننده بالفاظله متوجه می‌شود که اگر بجای «اخوان» «در سوره ق کلمه «قوم» بکار برده می‌شد چه اتفاقی می‌افتاد. در این صورت ذکر کلمه قوم به جای اخوان، حرف «ق» در این سوره ۵۸ بار تکرار می‌شد و عدد ۱۹ قابل قسمت نیست و لذا با تعداد ۵۷ «ق» که در سوره شورا مطابقت نمی‌کرد و جمع آن دو با تعداد سوره‌های قرآن برابر نمی‌شد. بدین معنی که با جایگزین کردن یک کلمه به جای دیگر نظم قرآن از بین می‌رود. ۲۸. تنها سوره‌ای که با حرف «ن» آغاز می‌شود سوره قلم است (شماره ۶) این سوره ۱۳۳ «ن» دارد که به ۱۹ قابل قسمت است (۱۹×۷).

۲۹. سه سوره اعراف (شماره ۷) مریم (شماره ۱۹) و ص (شماره ۳۸) که با حروف (ص) شروع می‌شوند جمماً ۱۵۲ حرف «ص» دارند. (۱۹×۸)

۳۰. در سوره طه (شماره ۲۰) جمع تعداد حروف «ط» و «هـ» ۳۴۴ می‌باشد (۱۹×۱۸)

۳۱. در سوره «یس» تعداد حروف «ی» و «س» ۲۸۵ می‌باشد (۱۹×۱۵)

۳۲. در هفت سوره ۴۰ تا ۴۶ که با رمز «حم» شروع می‌شوند تکرار حروف ۲۱۶۶ می‌باشد (۱۴×۱۹) بنابراین تمام حروف اختصاری که در ابتدای سوره‌های قرآن دارند بدون استثناء در روش اعدادی اعجاز آمیز قرآن شرکت دارند. باید توجه داشت که این روش اعدادی قرآن، در مواردی ساده و در خور فهم اشخاص معمولی است. اما در موارد دیگر بسیار مشکل و پیچیده بوده و برای درک آنها اشخاص تحصیل کرده باید از ماشین‌های الکترونیکی کمک بگیرند.

۳۳. در سوره‌های تشماره ۲ و ۳ و ۷ و ۱۳ و ۱۹ و ۳۰ و ۳۱ و ۳۲ که با رمز «الم» شروع می‌شوند تعداد حروف الف، لام، ميم جمماً ۲۶۶۷۶ مورد و قابل قسمت به ۱۹ می‌باشد. (۱۹۰۴×۱۹)

۳۴. در سوره‌های ۲۰ و ۲۶ و ۲۷ و ۲۸ و ۳۶ و ۴۲ که با رمز «طس» یا یکی از دو حرف مذبور (ط، س) آغاز می‌شوند تعداد دو حرف «ط» و «س» ۴۹۴ «مورد می‌باشد. (۱۹×۲۶)

۳۵. در سوره‌های ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۵ که با رمز «الر» آغاز می‌شوند تعداد الف، لام، راء به اضافه تعداد (راء (تنها در سوره سیزدهم، ۹۷، ۹ مورد است که این عدد قابل قسمت بر عدد ۱۹ می‌باشد. (۱۹×۵۱).



.۳۶. در سوره هایی که با رمز یکی از حروف «ط ، س ، و ، م» آغاز می شوند تعداد حروف طاء و سین و میم ۹۱۷۷ مورد می باشد  
(۱۹×۴۳۸)

.۳۷. در سوره رعد (شماره ۱۳) که با حرف رمزی «المرا» آغاز می شود ، تعداد حروف (الف، لام ، میم ، راء ) ۱۵۰۱ مورد می باشد  
(۱۹×۷۹)

.۳۸. در سوره اعراف (شماره ۷) که با حروف رمزی المص شروع می گردد تعداد وقوع «الف ۲۵۷۲ مورد ، حرف لام ۱۵۲۳ مورد ،  
حرف میم ۱۶۵ مورد ، و حرف ص ۹۸ مورد که جمعاً عدد ۵۳۵۸ بdst می آید (۲۸۲۲×۱۹)

.۳۹. در سوره مریم (شماره ۱۹) که با حروف کهیعص شروع می شود ، تعداد حروف (کاف ، ها ، یا ، عین ، صاد ) ۷۹۸ مورد می باشد  
(۱۹×۴۲)

.۴۰. در سوره شورا (شماره ۴۲) که با حروف حم عسق شروع می شود تعداد حروف (حا، میم، عین، سین، قاف) ۵۷۰ مورد می باشد  
(۱۹×۱۲۰)

.۴۱. در سیزده سوره‌ای که حرف الف در لغت رمزی آنهاست (سوره های شماره ۲۰. ۱۹. ۱۸. ۱۷. ۱۶. ۱۵. ۱۴. ۱۳. ۱۲. ۱۱. ۱۰.)  
(۳۲.۱۵) جمع الف های موجود ۱۷۴۹۹ مورد می باشد (۱۹×۹۲۱)

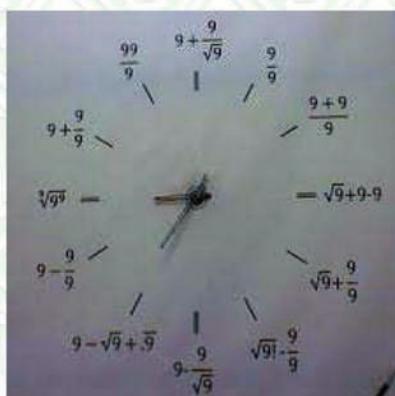
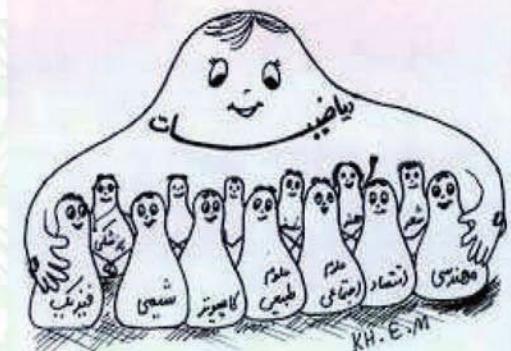
.۴۲. در سیزده سوره فوق الذکر جمع لام ۱۸۷۰ مورد می باشد (۱۹×۶۲۰)

.۴۳. در هفده سوره‌ای که حروف میم در لغت رمزی آنهاست (سوره های شماره ۲۰. ۱۹. ۱۸. ۱۷. ۱۶. ۱۵. ۱۴. ۱۳. ۱۲. ۱۱. ۱۰.)  
(۴۱. ۴۲. ۴۳. ۴۴. ۴۵. ۴۶) جمع حروف میم ۱۶۸۳ مورد می باشد (۱۹×۴۵۷)

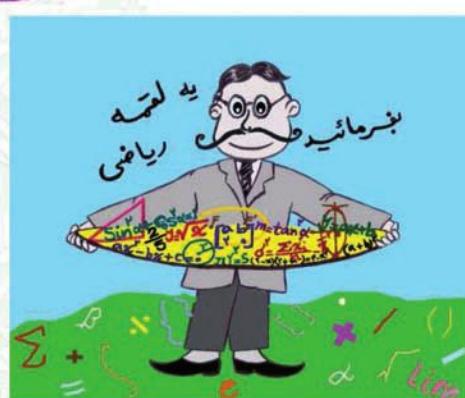
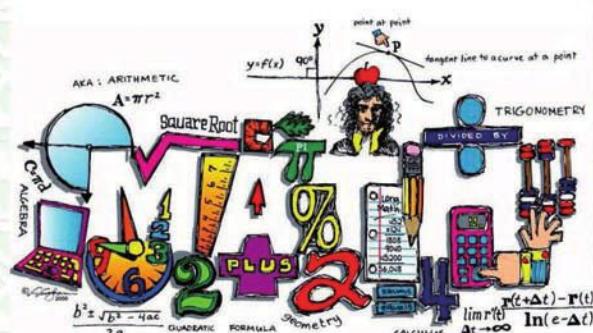
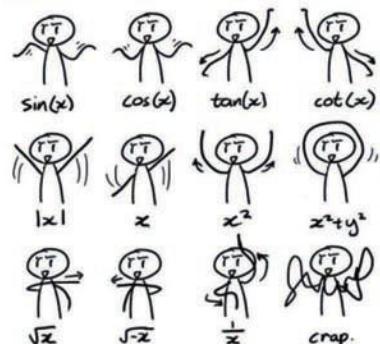
در تاریخ کتابی سراغ نداریم که مانند قرآن طبق یک سیستم عددی تنظیم شده باشد.

گزیده ای از عکس های نمایشگاه ریاضی برگزار شده توسط انجمن علمی ریاضی دانشگاه شیخ بهائی:  
باتشکر (مریم جابر الانصار دیرانجمن)

$$\begin{array}{rcl}
 9 * 1 & = & 9 \\
 9 * 2 & = & 18 \\
 9 * 3 & = & 27 \\
 9 * 4 & = & 36 \\
 9 * 5 & = & 45 \\
 9 * 6 & = & 54 \\
 9 * 7 & = & 63 \\
 9 * 8 & = & 72 \\
 9 * 9 & = & 81 \\
 9 * 10 & = & 90
 \end{array}$$



Beautiful Dance Moves





## آشنایی با مهدی آذر یزدی پدر ادبیات کودک ایران

به مناسبت ۱۸ تیر روز ادبیات کودک و نوجوان

\*پویا علیارزاده

مهدی آذر یزدی نویسنده معروف داستانهای کودکان بسال ۱۳۰۰ در خرمشاه حومه یزد متولد شد. در ۱۳۲۲ به تهران آمد و مقیم تهران گردید. تحصیلات او بیشتر در حوزه های علمی و دینی قدیم انجام شده است. قبل از آنکه به کار نگارش داستانهای کودکان به پردازد، به مشاغل گوناگون و از جمله عکاسی و کتابفروشی اشتغال داشته است. وی از سال ۱۳۳۶ با توجه به زمینه و مطالعات وسیع قبلی اش شروع به نوشتن داستانهای گوناگون برای کودکان نمود. وی با انتخاب سبک بخصوصی در تهیه و نگارش داستانهایش بصورت یکی از نویسندهایان ورزیده و مطلع داستانهای کودکان در ادبیات معاصر ایران در آمده است.

یکی از مجموعه داستانهای او برنده جایزه یونسکو در ایران و دیگری برنده عنوان کتاب برگزیده سال از طرف شورای کتاب کودک گردیده است.

«پری کجایی... اگر تو بودی حتماً همه چیز راحت تر بود.» وقتی پیشنهاد چای یا قهوه دادی و بلند شدی از سماور، آب جوشی در لیوان بزیزی، زیر لب زمزمه می کردی پری کجایی... می گفتند در را به روی کسی باز نمی کنی، خودت هم بعداً گفتی که نمی دانی چرا چند ساعت هم صحبتم شدی؛ اما همسفرم کردی با خود تا روزهای دور، تا تنهایی امروز و همیشه آفتاب صورتم را می سوزاند و من با شتابی بیشتر کوچه های قدیمی محله خرمشاه - یزد را طی می کردم تا از تو در توی کوچه ها به خانه اش رسیدم و اتاقی کاهگلی و میزی زیر نور زرد یک لامپ.

مهدی آذریزدی در آستانه هشتاد سالگی پشت میزی می نشیند و فقط کتاب می خواند، کتاب هایی درباره همه چیز، تاریخ، سفرنامه، ادبیات و حتی کتاب هایی درباره طب؛ می خواهد در تنهایی پرستار خودش باشد.

بزرگترین لذت زندگی اش همین کتاب خواندن است. می گوید: «آخه می دونی فضول هم هستم، می خوام همه چیز رو بدونم.» بچه که بود کتاب نداشت، پای منبرهای مذهبی بزرگ می شد و هر چه می شنید قصه هایی تکراری بود.

کلیله و دمنه را که برای انتشارات امیرکبیر تصحیح می کرد، دید چه قصه های خوبی! کار بازنویسی را برای بچه ها شروع کرد تا کتاب و قصه داشته باشند. می گوید: «بیابونی که گرگ نداره، میش آمیز عبدالکریمه\*. آن موقع عرصه خالی بود و هیچ کتابی نبود. این کار هم تازگی داشت.» حالا البته به نظرش کار هم خوب بوده و تأکید می کند:

«فکرم خوب بوده، اخلاص هم داشتم. نه شهرت می خواستم، نه بول. فقط می خواستم برای بچه هایی که کتاب ندارند بنویسم و برکتی که این کار داشته به خاطر اخلاقی است که داشتم.» «قصه های خوب برای بچه های خوب»

آذریزدی که خیلی ها روزگار کودکی شان را با آن سپری کرده اند با استقبال خوبی مواجه شد.

دکتر خانلری به مدیر انتشارات امیرکبیر گفته بود کار خوبی است، بگویید ادامه دهد و آذریزدی کم کم اعتماد به نفس پیدا کرد و کار را ادامه داد. روزگار کودکی اش در سختی و فقر رفت. اصلاً مدرسه نرفته و رنگ کلاس درس را ندیده، تا جایی که وقتی در پنجاه سالگی برای اولین بار یک کلاس درس می بیند نمی تواند جلوی گریه خود را بگیرد. الفبا را از پدر یاد گرفته و خود را با کتاب ساخته است.

پدرش معتقد بوده مدرسه آدم را فاسد می کند و می گفته به فکر آخرت باشید. حساسیت دیگر پدر هم به خاطر این بوده که مدرسه محله متعلق به زرتشتی ها بوده که پدر با آنها میانه ای نداشته.

عقده مدرسه نرفتن و بچه ها را با کیف و لباس مدرسه دیدن همیشه برای مهدی آذریزدی باقی می ماند. نان و پنیر و پیاز و سرکه غذای روزگار کودکی خانواده آذریزدی بود و هیچ وقت پولی در خانه نداشتند.



خیلی از چیزهای مورد نیازشان را می کاشتند و یامثلاً آرد را با صابون عوض می کردند. این طور بود که مادر اصرار داشت مهدی سر کاری برود تا مزد بگیرد و پول به دست آورد. بعد از مدتی کار کردن با پدر، در یک جوراب بافی مشغول شد و بعد در یک کتابفروشی که معتبر او بود به دنیای جدیدش که خلاصه می شد در کتاب، همدم تمام تنهایی هایش. وقتی با کتاب آشنا شد، فهمید دنیا از خرمشاه هم بزرگتر است. آن روزها دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن در سال چهارم دبیرستان ایرانشهر درس می خواند و از این کتابفروشی کتاب می خرید. آذریزدی می دید دیگران دکتر و استاد می شوند. متوجه شد راه دیگری ندارد جز اینکه با کتاب خودش را بسازد. بیست و یک ساله بود که راهی تهران شد و اینجا مشغول به کار در چند انتشاراتی و کار تصویح و ویرایش. کتابهایش را هم می نوشت: قصه های تازه از کتابهای کهن، شعر قندوعل، گربه ناقلا، گربه تنبیل، مجموعه قصه های ساده، مثنوی بچه خوب و تصویح مثنوی مولوی.

آذریزدی از جلسه های سه شنبه که در انتشارات یزدان واقع در بلوار کشاورز برگزار می شد، به عنوان دوران خوشمزه ای یاد می کند و دوستی و آشنایی با اسلامی ندوشن، حمیدی شیرازی، زرین کوب، اقبال، مستوفی و حسین مکی را از خوشی ها و لذت های زندگی اش می داند که با بسیاری از اینها در چاپخانه انتشارات علمی و امیرکبیر آشنا شده است. سال ۷۳ اما آذریزدی دوباره به یزد بازگشت. دیگر پول اجاره خانه در تهران را نداشت. به خانه پدری رفت که با آرامش بنشیند و بنویسد؛ پشیمان شد، ولی دیگر توان جایه جایی نداشت. زندگی در شهرستان را دوست ندارد و می گوید همه چیز برای مرکزنشین هاست: «هرچه هست در تهران است، نمایشگاه، کتابخانه و ... پل عابر پیاده هم که پله برقی شده. آن وقت می گن تهران شلوغ شده، خوب مردم از ولایات می رن تماشا و ماندگار می شن!» آذریزدی این روزها بسیار دلسرد است؛ از زندگی، از دنیا، از نوشتمن. از وقتی برای چاپ کتاب «گربه تنبیل» اش چند سالی معطل ممیزی شده، تمام انگیزه هایش برای نوشتمن از دست رفته. می گوید بنویسد که چه شود؛ باز چندسالی معطلی و تغییری ناخواستنی.

پیرمرد قصه گو به کتابهای امروزی که با یک ورق زدن در کتابفروشی خواندنش تمام می شود، انتقاد دارد، ولی در عین حال می گوید امروز جوانهای تحصیلکرده ای روی کار آمده اند که با بچه ها آشناشوند. او می گوید بچه دور و برش نبوده و هرچه نوشتمن در مقایسه با کودکی خودش بوده. برای بچه ها دعا می کند که با خریدن کتابهایش خرج او را می دهند و از خدا می خواهد بچه ها را زیاد کند، البته کتابخوانه اشان را نه بچه های فوتیالیست را.

«قصه های خوب برای بچه های خوب» را آذریزدی به انتشارات ابن سینا داده بود که چاپ نکرد. از میدان مخبرالدوله تا ناصرخسرو را گریه می کرد، با جعفری - مدیر انتشارات امیرکبیر - قهر بود و نمی دانست چطور از او بخواهد کتابش را چاپ کند. جعفری از پشت شیشه مغازه آذریزدی را که دید فهمید کاری با او دارد. کتابش را چاپ کرد و حالا سالهاست مهدی آذریزدی - حتی اگر دیگر نتویسد - برای بچه ها قصه می گوید...

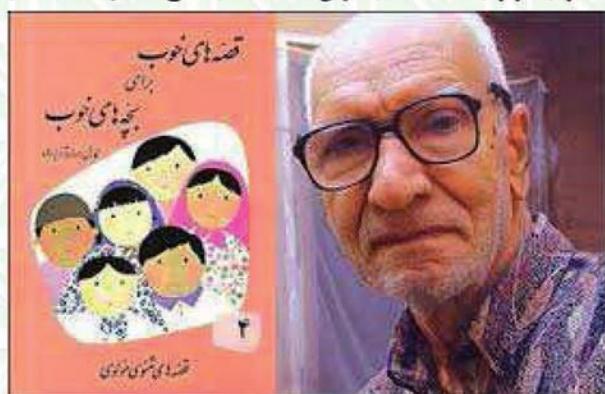
آذریزدی در ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۸ در سن ۸۷ سالگی در بیمارستان آمیه تهران درگذشت.  
تعدادی از نوشتمن ها:

«قصه های خوب برای بچه های خوب»، قصه های کلیله و دمنه، قصه های مرزبان نامه، سندبادنامه و قابوسنامه، قصه های مثنوی مولوی، قصه های قرآن، قصه های شیخ عطار، قصه های گلستان و ملستان، قصه های چهارده معموم.

«قصه های تازه از کتابهای کهن»: خیر و شر، حق و ناحق، ده حکایت، بچه آدم، پنج افسانه، مرد و نامرد، قصه ها و مثل ها، هشت بهشت، بافته دانا اصل موضوع و دوازده حکایت دیگر / فرهنگ یزدی / دستور طباخی و خانه داری / لبخند / گربه ناقلا / شعر قند و عسل / مثنوی بچه خوب / خاله گوهر، فالگیر / مکتبخانه / قصه های ساده / گربه تنبیل / چهل حدیث

...

برداشت از وب سایت: [www.azaryazdi.ir](http://www.azaryazdi.ir)





## آشنایی با قالب شعری مُستزاد

مستزاد شعری است که در آخر مصراع های یک رباعی یا غزل یا قطعه، جمله‌ی کوتاهی از نثر آهنگین و مسجع اضافه می‌کنند که از لحاظ معنی به آن مصراع مربوط است ولی با وزن اصلی شعر هماهنگ نیست.

در واقع کلمه‌ی مستزاد به معنی "زياد شده" هم همین معنی را می‌دهد و علت نام گذاری این نوع شعر هم قطعه اضافه شده در پایان هر مصراع است.

## نمونه‌ی چند مستزاد

پادشاست

چون گداست

یا بهشت

بی صفات

یاشِنفت

بی حیاست

خواسته

بد آداست

درد من

بی دواست

مرگ است زپی!

کو حاصل وی؟

کو ناله‌ی نی؟

هر که گدای در مشکوی توست

شه که به همسایگی کوی توست

باغ مرا موسیم اردیبهشت

گرنه ثنا خوان گل روی توست

نرگس گلزار جنان هر که گفت

این که چو چشمان بی آهوی توست

سرو شنیدم که قد آراسته

مدعی قامت دلچوی توست

رحم کن ای دیده رخ زرد من

گرنه امیدیش به داروی توست

گیرم که زمال و زر کسی قارون شد

یا آن که به علم و دانش افلاطون شد

اندوخته ام ز کف همه بیرون شد

## شکل مستزاد:

*	-----	*	-----
*	-----	*	-----
?	-----	?	-----
*	-----	*	-----
?	-----	?	-----
*	-----	*	-----





## به مناسبت ۲۷ شهریور ماه روز درگذشت استاد شهریار و روز شعر و ادب فارسی

سید محمدحسین بهجت تبریزی تخلص به شهریار (پیش از آن بهجت) شاعر ایرانی اهل آذربایجان بود که به زبان‌های فارسی و ترکی آذربایجانی شعر سروده است. وی در تبریز بهدنیآمد و بنا به وصیتش در مقبره‌الشعرای همین شهر به خاک سپرده شد. در ایران روز درگذشت این شاعر معاصر را «روز شعر و ادب فارسی» نام‌گذاری کردند.

مهم‌ترین اثر شهریار منظومهٔ حیدربابایه سلام (سلام به حیدربابا) است که از شاهکارهای ادبیات ترکی آذربایجانی به‌شمار می‌رود و شاعر در آن از اصالت و زیبایی‌های روستا یاد کرده است.

شهریار به سال ۱۲۸۵ در شهر تبریز متولد شد. دوران کودکی را در روستای مادری اش - قیش قورشاق - و روستای پدری اش خشگناب - در بخش تیکمه‌داش شهرستان بستان آباد در شرق استان آذربایجان شرقی سپری نمود. پدرش حاج میرآقا خشگنابی نام داشت که در تبریز وکیل بود. پس از پایان سیکل اول متوسطه در تبریز، در سال ۱۳۰۰ برای ادامه تحصیل از تبریز عازم تهران شد و در مدرسه دارالفنون تا سال ۱۳۰۳ و پس از آن در رشته پزشکی ادامه تحصیل داد.



حدود شش ماه پیش از گرفتن مدرک دکتری به‌علت شکست عشقی و ناراحتی خیال و پیش‌آمدہای دیگر ترک تحصیل کرد. پس از سفری چهارساله به خراسان برای کار در اداره ثبت اسناد مشهد و نیشابور، شهریار به تهران بازگشت. در سال ۱۳۱۳ که شهریار در خراسان بود، پدرش حاج میرآقا خشگنابی درگذشت. او به سال ۱۳۱۵ در بانک کشاورزی استخدام و پس از مدتی به تبریز منتقل شد. دانشگاه تبریز شهریار را یکی از پاسداران شعر و ادب میهن خواند و عنوان دکترای افتخاری دانشکدهٔ ادبیات تبریز را نیز به وی اعطا نمود.

در سال‌های ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۰ اثر مشهور خود - حیدربابایه سلام - را می‌سراید. گفته می‌شود که منظومهٔ حیدربابا به ۹۰ درصد از زبان‌های اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق ترجمه و منتشر شده است.

وی اولین دفتر شعر خود را در سال ۱۳۰۸ با مقدمه ملک‌الشعرای بهار، سعید نفیسی و پژمان بختیاری منتشر کرد. بسیاری از اشعار او به فارسی و ترکی آذربایجانی جزء آثار ماندگار این زبان‌هاست. منظومهٔ حیدربابایه سلام که در سال ۱۳۳۳ سروده شده است، از مهم‌ترین آثار ادبی ترکی آذربایجانی شناخته می‌شود.

عشقهای عارفانه شهریار را می‌توان در خلال غزلهای انتظار، جمع و تفرق، وحشی شکار، یوسف گمگشته، مسافر همدان، حراج عشق، ساز صبا، نای شبان و اشگ مریم، دو مرغ بهشتی و غزلهای ملال محبت، نسخه جادو، شاعر افسانه و خیلی آثار دیگر مشاهده کرد. برای آن که سینمای عشقی شهریار را تماشا کنید، کافی است که فیلم‌های عشقی او را که از دل پاک او تراویش کرده در صفحات دیوان بیابید و جلوی نور دقیق چشم و روشنی دل بگذارد.

هرچه ملاحظه کردید همان است که شهریار می‌خواسته است. زبان شعر شهریار خیلی ساده است.

محرومیت و ناکامی‌های شهریار در غزلهای گوهر فروش، ناکامی‌ها، جرس کاروان، ناله روح، مثنوی شعر، حکمت، زفاف شاعر و سرنوشت عشق به زبان شهریار بیان شده است.

وی در روزهای آخر عمر به دلیل بیماری در بیمارستان مهر تهران بستری شد و پس از فوت در ۲۷ شهریور ۱۳۶۷ بنا به وصیت خود در مقبره‌الشعرای تبریز مدفون گشت.



یکی از مشهورترین غزل های شهریار:

بی وفا حالا که من افتاده ام از پا چرا  
سنگدل این زودتر می خواستی حالا چرا  
من که یک امروز مهمان توام فردا چرا  
دیگر اکنون با جوانان نازکن با ما چرا  
اینهمه غافل شدن از چون منی شیدا چرا  
ای لب شیرین جواب تلخ سربالا چرا  
اینقدر با بخت خواب آلود من للا چرا  
در شگفتیم من نمی پاشدز هم دنیا چرا  
خامشی شرط وفاداری بود غوغما چرا  
این سفر راه قیامت میروی تنها چرا

آمدی جانم به قربانت ولی حالا چرا  
نوشداروئی و بعد از مرگ سهراب آمدی  
عمر ما را مهلت امروز و فردای تو نیست  
نازنینا مابه ناز تو جوانی داده ایم  
وه که با این عمرهای کوتاه بی اعتبار  
شور فرهادم پرسش سر به زیر افکنده بود  
ای شب هجران که یک دم در تو چشم من نخفت  
آسمان چون جمع مشتاقان پریشان می کند  
در خزان هجر گل ای بلبل طبع حزین  
شهریارا بی حبیب خود نمی کردی سفر



\* انجمن علمی مدیریت\*

### اهمیت مدیریت در هتل

#### ❖ اهمیت مدیریت در هتل

در سراسر جهان صنعت جهانگردی و هتلداری در حال تغییر و تحول و پیشرفت است، به همین دلیل رقابت سختی بین هتل‌داران شکل گرفته است که اگر در هر قسمی از هتل کارکنان به درستی عمل نکنند، صاحبان هتل در این رقابت با شکست رویه رو می‌شوند.

افراد زیادی در بخش‌های مختلف یک هتل مشغول به کارند، از جمله‌ی این افراد مدیران هتل می‌باشند که هر کدام از آن‌ها مسئول بخشی از هتل هستند و نقش پررنگی را در موقیت مجموعه‌ی هتل ایفا می‌کنند.

#### ❖ مدیر هتل چه کسی است

مدیر یک هتل کسی است که از منابع طبیعی، انرژی، سرمایه، کار و سایر عناصر تولید را به مقدار معین تهییه و تدارک دیده و با ترکیب آن‌ها، توسعه، سود و منفعت را در بازار نسبت به سایر فعالیت‌ها فراموش نمی‌کند.

یک مدیر در فضای اداری مسئول است و در هر شرایطی نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کند، بنابراین تبعیت و پیروی افرادی که تحت امر وی فعالیت می‌کنند، بسیار تاثیر گذار است.

یک مدیر موفق به روش‌ها و نظرات آکادمیک روز در مدیریت هتل آگاه است و در ارتباط با کار افراد و تصمیم‌گیری‌ها تواند می‌باشد. مدیران با تجربه می‌دانند که با تقلید کردن از دیگران پیشرفت و تحولی ایجاد نمی‌شود بلکه عشق و خلاقیت و نوآوری باعث این پیشرفت می‌شود.

مدیر موفق هر گاه با مشکلی مواجه می‌شود، سریع تصمیم می‌گیرد و برای حل مشکل فوراً اقدام می‌کند و از آن‌ها برای پیشرفت کار بهره می‌برد.

او منتظر شناس و سرنوشت نیست بلکه تمام اتفاقاتی را که ممکن است در آینده رخ دهد را از قبل پیش‌بینی می‌کند و با مطالعه و مقایسه گزارشاتی که به دستش می‌رسد، کنترل‌های لازم را در تمام بخش‌ها دارد.

این مدیران کسانی هستند که لازم نیست برای هر کاری از آن‌ها وقت گرفت و به منشی آنان مراجعه کرد، آنان همیشه پذیرای میهمانان و کارکنان خود هستند. در پشت در یکی از اتاق‌های مدیران در کشور ژاپن اینگونه نوشته شده است: در زدن لازم نیست لطفاً وارد شوید.

#### ❖ مدیریت کل هتل

مدیران هتل را از دو نظر می‌توان مطالعه کرد:

\* - تهییه کننده: سلیمه مطیع عضو انجمن علمی مدیریت



• مدیران مالک هتل: این مدیران علاوه بر مالک بودن، مدیریت هتل را نیز بر عهده دارند. صاحبان اینگونه از فعالیت-

ها، خدمات هر بخش را توسط خدمه‌های منتخب خود انجام می‌دهند، به این ترتیب هتلدار با آزادی عمل، کارها را به شکل دلخواه به انجام می‌رساند.

• مدیران حرفه‌ای: اینگونه از مدیران، کار را از مالکان و یا هیات مدیره هتل تحویل گرفته و اداره می‌کنند. اداره هتل در این حالت از شکل خانوادگی خارج شده و به شکل حرفه‌ای درآمده است. با توجه به ویژگی‌های مدیریت، وظایف نیروهای انسانی متغیر است، مدیر نتایج هر یک از مراتب را ارزیابی می‌کند و در صورت عدم تایید، فرد موظف، کارش را از دست می‌دهد یا به مراتب پایین تر منتقل می‌شود.

در زمان‌های نه چندان دور هتل را با روش‌های سنتی مدیریت و اداره می‌کردند و اغلب پست‌های کلیدی نزد افراد صاحب هتل بود، اکنون با وجود تکنولوژی، مدیریت سنتی امکان پذیر نیست و اگر یک مدیر با سرمایه گذار هتلی بخواهد هتل را به سبک سنتی اداره کند هرگز موفق نخواهد شد.

تکنولوژی به مدیریت کمک می‌کند تا هتل را به نحو مطلوب اداره کند. انتخاب صحیح تکنولوژی در واقع انتخاب سیستم کار هتل و یک عامل نجات دهنده است که به کار هتل نظم می‌دهد و باعث به جریان اندختن امور هتل با کمترین هزینه ممکن و پرسنل و بهترین کیفیت می‌شود و از اشتباهات انسانی جلوگیری می‌کند و مدیریت هتل را از عملکرد کارکنان آگاه می‌کند، همچنین باعث کنترل امور هتل بدون حضور فیزیکی خواهد شد.

مدیران باید آنقدر آگاه باشند تا بتوانند از میان صد‌ها سیستم گردش کار بهترین را انتخاب کنند و مدیریت باید چگونگی نظارت و کنترل را درک کند.

#### منابع :

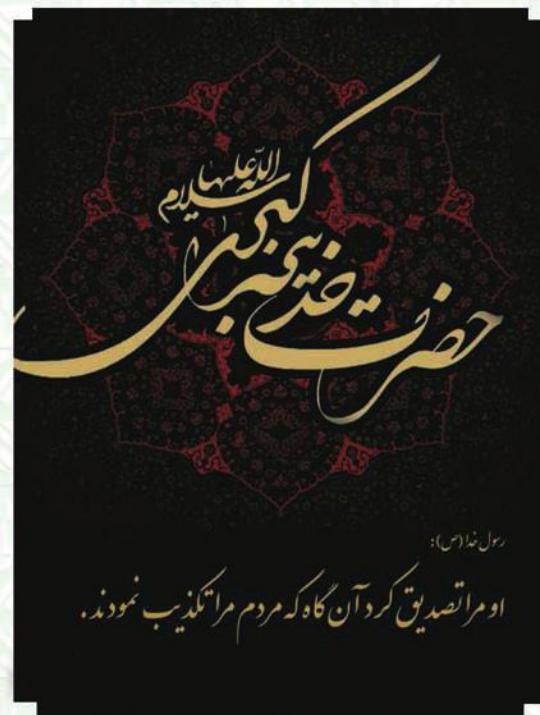
مدیریت هتل، نوشته‌ی دکتر حسن قره نژاد

کتاب پایه و اساس مدیریتی در هتل‌های پنج ستاره، نوشته‌ی علی اصغر رضایت

سیاست هتلداری ایران وابسته به انسٹیتو مدیریت هتلداری کیان

**مناسبت‌ها در فصل تابستان**

امشب خدیجه می‌رود از خانه‌ی وحی  
تاریک شد در ماتمث کاشانه‌ی وحی



رسول خدا (ص) فرمودند:

 بهترین نیاز شماست که بپای شریعت آبریست،  
خود را نیز کنید. اما خود را از این مدنیت بپرهیزند.

امام علی (ع) فرمودند:

 پسندیدگی از ایمان و عبادت و حسنه و جسمی است،  
ایرانی ایمان و عبادت و حسنه و جسمی است، پاییزدات سعادت

**۲۱ تیر روز عفاف و حجاب**

امش شد م————د!!!

شلوار لى را برایمان فرستادند، اول زیاد هم بـد نبود،

بعد شد آفت غیرت و حیا

پسرانه اش از بالا کوتاه شـد و دخترانه اش از پایین

چادر شـد مانتو هـای بلند، مانتو هـا ذره ذره آب رفت،

حالا دیگر باید آن را بلـوز

نامید، چادر چادری هـا هـم کـم کـم تبدیل به شـنـل شـدهـ،

یـا آنـقدر نـازـکـ کـه بـودـنـش طـعنـهـ اـیـسـتـ بـهـ بـودـنـشـ

حالـاـ کـهـ دـیـگـرـ شـلـوارـ جـایـشـ رـاـ بـهـ سـاـپـورـتـ دـادـهـ،

روـسـرـیـ هـاـ هـمـ کـهـ اـزـ عـقـبـ وـ جـلوـ آـبـ رـفـتـهـ!

مـانـدـهـ اـمـ فـرـدـاـ فـرـزـنـدـانـ اـیـنـ نـسـنـلـ هـنـزـ هـمـ

مـادرـ رـاـ اـسوـهـ پـاـکـیـ وـ

پـدرـ رـاـ مـظـهـرـ مـرـدانـگـیـ مـیدـانـدـ؟ـ؟ـ؟ـ!

میلاد امام حسن مجتبی علیه السلام

سلام بر لحظه‌هایی که تو را آوردند!

سلام بر لب‌های رسول الله(ص) که میلاد تو را به درگاه پروردگار، سبجه گفت و نام یگانه‌ات را از دست جبرئیل گرفت و در گوش عصمت زمزمه کرد!

سلام بر لبخند سرافراز علی علیه السلام، که در طلوع تو اتفاق افتاد!

سلام بر تو، امامتِ فردای پس از علی!

سلام بر تو، شباخت بی‌شایبه محمدی

سلام بر اقیانوس کرامت و سخاوتی که از دامان «کوثر» و «ابوتراب» برخاست.



## شب قدر

عظمت و فضیلت این شب بر سایر شبها را از این امور می‌توان به دست آورد:

**۱ (امریکش گناهان):** پیامبر خدا(ص) در تفسیر سوره «قدر» فرمودند:

«هر کس شب قدر را احیا بدارد و مؤمن باشد و به روز جزا اعتقاد داشته باشد، تمامی گناهانش آمرزیده می‌شود.»

**۲ (قلب رمضان):** امام صادق(ع) فرمودند:

«از کتاب خدا استفاده می‌شود که شماره ماه‌های سال نزد خداوند، دوازده ماه است و سرآمد ماهها ماه رمضان است و قلب



ماه رمضان لیله القدر است.»

**۳ (نزول قرآن):** طبق روایات، مجموع قرآن در شب قدر دفعی و یکباره بر پیامبر (ص) نازل شده است. این نزول دفعی و یکباره قرآن است، اما نزول تدریجی قرآن طی ۲۳ سال دوران نبوت پیامبر گرامی(ص) به صورت الفاظ نازل شده است.

**۴ (برتر از هزار ماه):** نزول همه‌ی ملائکه و روح در شب قدر بر زمین و سلام دادن بر بندگان خدا نشانه شرافت آن بر هزار ماه است. امام باقر(ع) فرمودند:

«عمل صالح در شب قدر از قبیل نماز، زکات و کارهای نیک دیگر بهتر است از عمل در هزار ماهی که در آن شب قدر نباشد.»

## ۲۱ رمضان شهادت امام علی(ع)





ما در کشوری زندگی می‌کنیم که اجازه می‌دهیم افراد گوناگون به انتقاد از حزب الله پردازند، و به ما حمله کنند، حتی کسانی که دارای هیچ جایگاه اجتماعی و موقعیت سیاسی نیستند، با این حال همه اظهار نظر می‌کنند بدون اینکه از ناحیه ما دچار مشکل بشوند. من اینجا هیچ متنی بر کسی ندارم برای این که این در متن اخلاق و ارزش‌های ماست که تحمل کنیم و به هر انسانی اجازه اظهار نظر بدھیم.

البته این مانع از آن نمی‌شود که خود مردم از این موضع به خشم نیایند، آیا می‌شود تصور کرد که کسی بباید شما را خائن بشمارد و به شما فحش بدهد و توھین کند و به خانواده‌های شهدا و آسیب دیدگان ناسزا بگوید و بعد هم توقع داشته باشد وقتی دم در خانه تان می‌آید شما با گرمی از او استقبال کنید و دستش را ببوسید و برایش کف بزنید؟

واکنش طبیعی مردمی که خانه شان ویران شده و بچه‌هایشان به شهادت رسیده اند این است که هر طور می‌خواهند با چهره در هم کشیده و عصباتیت با این افراد برخورد کنند ولی با این حال و هر واکنشی که مردم داشته باشند این افراد می‌توانند همچنان بر همان موضع و دیدگاه‌های خود باقی بمانند و انتقاد کنند و هیچ کس آسیبی به آنها نخواهد رساند.

سید حسن نصر الله



به مناسبت روز بزرگداشت علامه مجلسی...  
زندگی

در سال ۱۰۳۷ هجری قمری، که این سال برابر است با عدد ابجده جمله «جامع کتاب بحار الانوار» در شهر اصفهان دیده به جهان گشود. پدرش مولا محمد تقی مجلسی از شاگردان شیخ بهائی بود و در علوم اسلامی از بزرگان روزگار خود به شمار می‌رفت. مادرش دختر صدرالدین محمد عاشوری بود.

هنوز به سن ۴ سالگی نرسیده بود که نزد پدرش به تحصیل پرداخت و در مساجد برای نماز حاضر می‌شد. چنانچه خود می‌گوید: «الحمد لله رب العالمين که بنده در سن ۴ سالگی همه اینها را می‌دانستم؛ یعنی خدا و نماز و بهشت و دوزخ و نماز شب می‌کردم در مسجد صفا، و نماز صبح را به جماعت می‌کردم و اطفال را نصیحت می‌کردم به آیت و حدیث، به تعلیم پدرم رحمة الله عليه» ۲ او در زمان کوتاهی تمام علوم رسمی زمان خود را فرا گرفت.

علوم نقلی علوم نقلی را از پدرش فرا گرفت و علوم عقلی را نزد آقا حسین خوانساری استفاده کرد.

در ۱۴ سالگی از ملاصدرا، اجازه روایت گرفت. و سپس در حضور استادانی چون علامه حسن علی شوشتری، امیرمحمد موسمن استرآبادی، میرزا جزایری، شیخ حرعاملی، ملا محسن استرآبادی، ملا محسن فیض کاشانی، ملا صالح مازندرانی، تحصیل کرد. وی در اندک زمانی بر دانش‌های صرف و نحو، معانی و بیان، لغت و ریاضی، تاریخ و فلسفه، حدیث و رجال، درایه و اصول و فقه و کلام احاطه کامل پیدا کرد.

وفات

وی در ۲۷ رمضان سال ۱۱۱۰ یا ۱۱۱۱ وفات یافت و در جامع عتیق اصفهان مدفون شد.

لقب:

علامه مجلسی پس از رحلت پدر بزرگوارش، به جای او در مسجد جامع اصفهان اقامه نماز جماعت می‌نمود ایشان از زمان شاه عباس دوم تا زمان شاه سلطان حسین دارای مقام و قدرت مطلق دینی بود و تا آخرین روزهای روزگار حیاتش این قدرت و نفوذ همچنان رو به افزایش و تعالی می‌رفت، به همین مناسبت از جانب سلاطین صفوی عنوان شیخ الاسلامی که عالی ترین درجه روحانیت در آن عصر بود به وی اعطای گردید.

دعای خیر پدر:

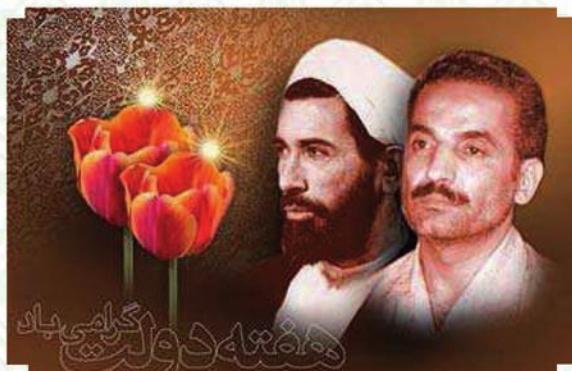
از ملا محمد تقی مجلسی پدر علامه مجلسی نقل کرده اند که فرمود: در یکی از شبها بعد از نماز شب یک حالت خوشی به من دست داد که فهمیدم هر حاجتی از خدا بخواهم بر آورده می‌شود و فکر کردم، در امور دنیا و آخرت چه چیز از خدا مسئلت بنماییم ناگاه صدای گریه محمد باقر از گهواره بلند شد. عرض کردم الهی به حق محمد و آل محمد (صل الله علیه و آله) این طفل را مروج دین خودت و نشر کننده احکام سید رسولانت قرار بده و او را موفق کن به توفیقاتی که انتهایی برای آن نباشد.

شکی نیست که دعای والد در حق این فرزند شایسته مستجاب و به درجات عالیه دست یافت.

=====

## آغاز هفته دولت (دوم شهریور)

هفته دولت، هفته اقتدار و پیروزی دولتی است که حمایت و پشتیبانی میلیونها تن از ملت خود را همراه دارد. هفته دولت، هفته سپاس و قدردانی از دولتی است که هدفمند اجرای حدود الهی و احکام آسمانی اسلام و ایجاد جامعه ای سرشار از عدالت، نظم و امنیت است. این هفته مبارک بر همه دولت مردانی که وجود خویش را وقف خدمت به اسلام و جامعه کرده اند، خجسته و فرخنده باد.





## روز بزرگداشت ابوعلی سینا و روز پزشک

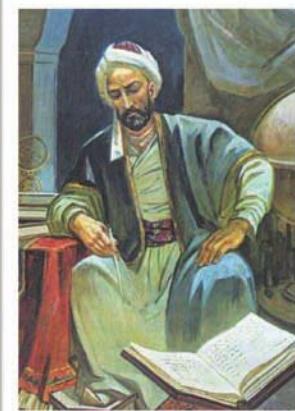
روز اول شهریورماه، به پاس بزرگداشت ابوعلی سینا ستاره پرفروغ عرصه طب در ایران، روز پزشک نامیده شده است.

### بزرگداشت زکریای رازی

روز پنجم شهریورماه، روز بزرگداشت زکریای رازی شیمی دان بزرگ ایرانی و روز داروسازی نام گذاری شده است.

محمد زکریای رازی (۲۵۱ هـ - ۳۱۳ هـ ق.) پزشک، فیلسوف و شیمی دان ایرانی که آثار ماندگاری در زمینه پزشکی و شیمی و فلسفه نوشته است و به عنوان کافش الکل و جوهر گوگرد (اسید سولفوریک) مشهور است.

به گفته جرج سارتون، پدر تاریخ علم، «رازی بزرگ‌ترین پزشک اسلام و قرون وسطی بود.» این دانشمند ایرانی از آن جا که کتاب‌های خود را به زبان عربی می‌نوشت، نزد غربیان به جالینوس عرب نیز مشهور بوده است.

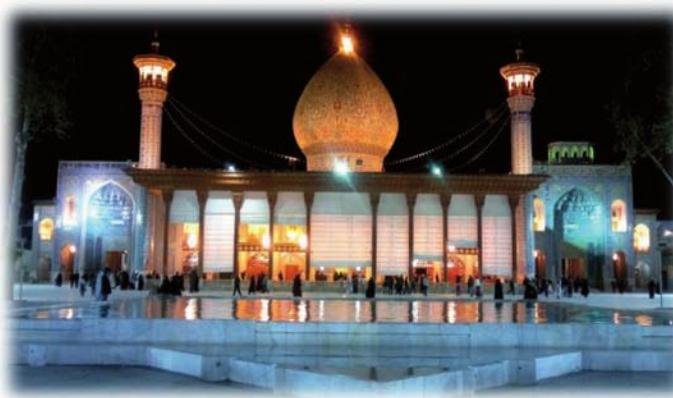


به پاس خدمات فراوان رازی در داروسازی روز پنجم شهریورماه (۲۷ اوت)، روز بزرگداشت زکریای رازی شیمی دان بزرگ ایرانی و روز داروسازی نام گذاری شده است.

### میلاد حضرت مصصومه سلام الله علیها و روز دختر

اول ذیقعده روز تولد حضرت مصصومه (س) به نام «روز ملی دختران» نامگذاری گردیده است. صمن تبریک این روز گرامی به همه دختران سرزمین سیز اسلامیمان، امیدواریم این نامگذاری، منشا ارزشمندی برای توجه، تفکر، تصمیم سازی و اقدامات پر خیر و پر برکت برای این بخش مهم و سرنوشت ساز از جامعه ما باشد. حضرت فاطمه مصصومه (س) در روز اول ذیقعده سال ۱۷۳ هجری برابر ۶ فروردین ۱۶۹ خورشیدی، در شهر مدینه چشم به جهان گشود. این بانوی بزرگوار، از همان آغاز، در محیطی پرورش یافت که پدر و مادر و فرزندان، همه به فضایل اخلاقی آراسته بودند. عبادت و زهد، پراسایی و تقوا، راستگویی و بدباری، استقامت در برابر ناملایمات، بخشندگی و پاکدامنی و نیز یاد خدا، از صفات برجسته این خاندان پاک سیرت و نیکو سرشت به شمار می‌رفت. پدران این خاندان، همه برگزیدگان و پیشوایان هدایت بودند.....

\*\*\*\*\*



### بزرگداشت حضرت احمد بن موسی

#### شاهچراغ (ع)

شاهچراغ آرامگاهی است در شیراز که بنا بر اعتقاد شیعیان احمد بن موسی کاظم، پسر ارشد امام امام موسی کاظم و محمد بن موسی، برادران امام رضا، در آن به خاک سپرده شده است. او در راه پیوستن به برادر خود به سوی خراسان سفر نمود ولی در راه توسط افراد مأمون خلیفه عباسی در شهر شیراز کشته شد.

این آرامگاه در کنار میدانی به نام احمدی در شهر شیراز قرار دارد. آرامگاه سیدمیرمحمد برادر سیدمیراحمد نیز در نزدیکی شاهچراغ است.

#### پیشینه

شاهچراغ آرامگاه «میر سید احمد» ملقب به شاهچراغ، پسر موسی کاظم امام هفتم شیعیان است. این بنا در دوره اتابکان فارس در سده ششم هجری قمری ساخته شده است و گند و بارگاه آن دارای کاشی کاری‌های زیبایی است.

**میلاد امام رضا (ع)**

به مناسبت یازدهم ذیقده مطابق با ۱۶ شهریور ۹۳

سالروز ولادت آن جضرت :

سلام ای حضرت سلطان عشق

یا علی موسی الرضا ای جان عشق

السلام ای بهر عاشق سرنوشت

السلام ای تربت باغ بهشت

**السلام عليك يا على بن موسى الرضا**

کبوتر هم که باشی

گاهی دود شهر

پرو بالت را سیاه میکند

به یک هوای

پاک نیاز داری

چیزی شبیه

هوای حرم ...


**به مناسبت روز بزرگداشت استاد سید محمد حسین شهریار**

آخر ای ماه تو هم درد من مسکینی

امشب ای ماه به درد دل من تسکینی

که تو از دوری خورشید چه ها می بینی

کاهش جان تو من دارم و من میدانم

سر راحت ننهادی به سر بالینی

تو هم ای بادیه پیمای محبت چون من

تو هم ای دامن مهتاب پر از پروینی

هر شب از حسرت ماهی من و یک دامن اشک

همه در چشم مهتاب غم از دل شویند

همه در چشم مهتاب غم از دل شویند

امشب ای مه تو هم از طالع من غمگینی

همه در چشم مهتاب غم از دل شویند

که توهمن آینه بخت غبار آگینی

من مگر طالع خود در تو توانم دیدن

برو ای گل که سزاوار همان گلچینی

باغبان خار ندامت به جگر میشکند

که کند شکوه ز هجران لب شیرینی

نی محزون مگر از تربت فرهاد دمید

گر خود انصاف کنی مستحق نفرینی

تو چنین خانه کن و دل شکن ای باد خزان

ای پرس تو که پیام آور فروردینی

کی بر این کلبه طوفان زده سر خواهی زد

چه حیاتی و چه دنیای بهشت آینی

شهریارا اگر آین محبت باشد

**هفته دفاع مقدس**

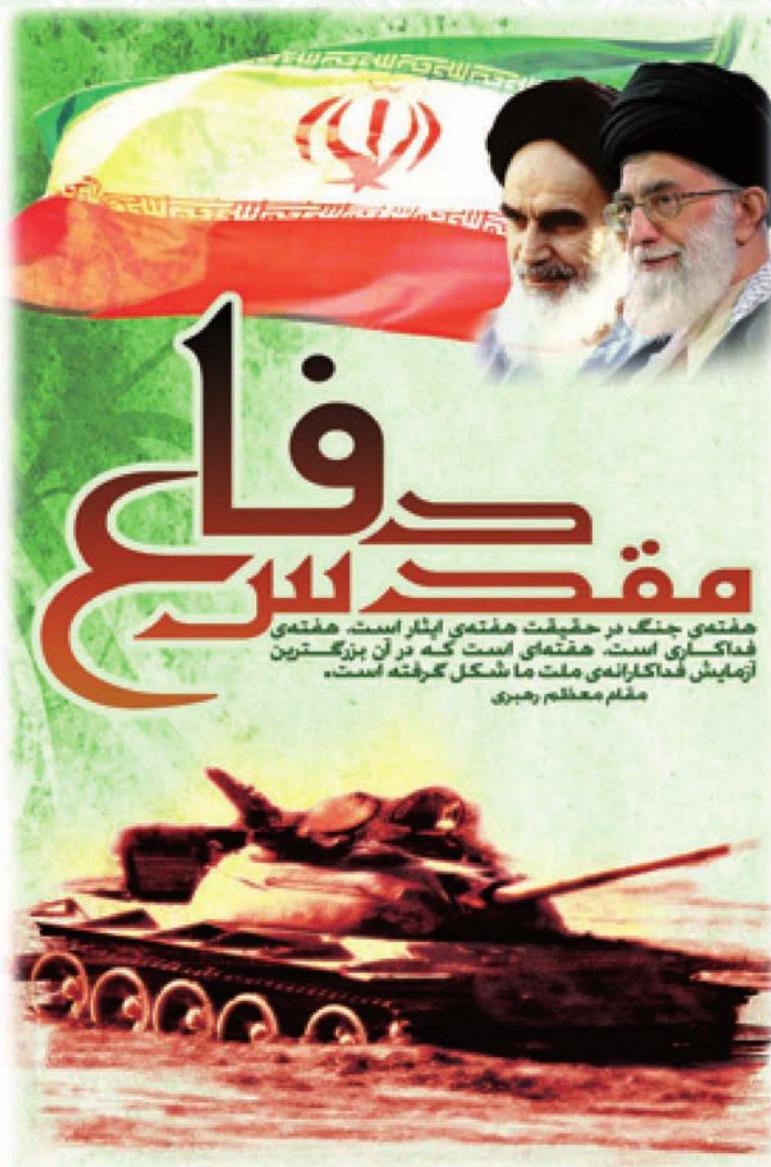
هر چند شروع جنگ تلخ بود. اما این تلخی شیرینی را به این مردم هدیه داد که در حالت عادی برای رسیدن به آنها باید قرنها تلاش کرد.

برپایه فرمایش حضرت امام خمینی قدس سرہ که فرموند جنگ تا پایان رفع فتنه بنابراین ما نمی توانیم پایانی برای جنگ (دفاع مقدس) تصور کنیم. امام فرموند جنگ نعمت است. آثار این برکت نعمت شیرینی آن همان آغاز جنگ (دفاع مقدس) است نه با پذیرش قطعنامه.

چرا که علیرغم پیروزی قاطع رزمندگان اسلام (جمهوری اسلامی ایران) این پیروزی به ذائقه رزمندگان اسلام و ملت ایران خوش و شیرین نیامد. زیرا حضرت امام خمینی(ره) پذیرش قطعنامه را به جام زهر و تلختر از آن تعییر کردند.

[۲]

البته دست آورد برجسته دفاع مقدس خود باوری و اعتماد به نفس بالایی در مردم بود که حاصل حفظ تمامیت کشور در صحنه نزاع نظامی بوده است. کشوری که در دو سده اخیر یعنی حداقل پس از سلطنت فتحعلیشاه تا جنگ عراق با ایران تقریباً یک میلیون متر مربع از اراضی خود را از دست داده است.



## أخبار دانشگاه

### ضیافت معنوی

در ماه مبارک رمضان امسال (سال ۱۴۳۵ قمری مصادف با ۱۳۹۳ شمسی) از جانب معاونت فرهنگی دانشگاه برنامه‌ای تحت عنوان ضیافت معنوی منعقد گردید، در این برنامه نماز جماعت ظهر و عصر با حضور پرسنل دانشگاه برگزار گردید و در بین نماز توسط حاج آقا کاظمی امام جماعت و مشاور فرهنگی دانشگاه سوره یس برای حاضرین تفسیر گردید. در پایان ماه مبارک از جانب معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه کارت هدیه به حاضرین تقدیم گردید.



### آغاز ساختمان فاز اول دانشکده علوم پایه دانشگاه شیخ بهائی

همزمان با سالروز بزرگداشت علامه محمد باقر مجلسی مراسم آغاز ساختمان فاز اول دانشکده علوم پایه دانشگاه شیخ بهائی با حضور معاون محترم وزیر راه و شهرسازی جناب آقای مهندس نریمان و مسئولین محترم استان و شهر جدید بهارستان در روز ۳۰ مرداد ماه شروع شد. نقشه های اجرایی این دانشکده توسط شرکت شهر و خانه در قسمتی از زمین خریداری شده دانشگاه و با وسعت شانزده هزار متر مربع تهیه شده است. امید است با کمک و زحمات مسئولین محترم شهر بهارستان و پیگیری های لازم توسط هیأت مؤسس، هیأت امناء و مدیریت دانشگاه عملیات ساختمانی این دانشکده در ظرف مدت سه سال به پایان برسد.



در سال جدید دانشگاه شیخ بهائی علاوه بر یک رشته دکتری و ۱۰ رشته کارشناسی ارشد و ۱۷ رشته کارشناسی فلی در ۲ رشته جدید کارشناسی ارشد در مهندسی الکترونیک و مهندسی کامپیوتر (هوش مصنوعی) و کارشناسی مهندسی صنایع دانشجو می پذیرد. که امید است با توجه به محدودیت فضای آموزشی موجود (سه مجتمع آموزشی) ساختمان جدید تا حدی مشکلات فضای فیزیکی دانشگاه را حل نماید.





## پذیرش دانشجو در سال تحصیلی ۹۴-۹۳

پذیرش دانشجو در دانشگاه شیخ بهائی در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ به شرح ذیل است:

- مقطع کارشناسی ناپیوسته: رشته مدیریت جهانگردی
- مقطع کارشناسی پیوسته: ریاضیات و کاربردها، علوم کامپیوتر، آموزش زبان انگلیسی، مترجمی زبان انگلیسی، مدیریت صنعتی، مدیریت بازرگانی، مدیریت جهانگردی، مهندسی شهرسازی، مهندسی صنایع، مهندسی برق الکترونیک، مهندسی پزشکی گرایش بیوالکتریکی، مهندسی فناوری اطلاعات، مهندسی کامپیوتر نرم افزار و مهندسی کامپیوتر سخت افزار
- مقطع کارشناسی ارشد ناپیوسته: ۱۰ رشته آموزش زبان انگلیسی، مترجمی زبان انگلیسی، ریاضی کاربردی، ریاضی مالی، مهندسی کامپیوتر گرایش نرم افزار- مهندسی کامپیوتر گرایش معماری، مهندسی کامپیوتر گرایش هوش مصنوعی، مهندسی برق الکترونیک، مدیریت جهانگردی و مدیریت بازرگانی
- مقطع دکتری: یک رشته آموزش زبان انگلیسی



# Jamé' of Sheikh Bahaei

*Internal Magazine of Sheikh Bahaei University, September 2014*

